دورهٔ چهاردهم قانون گذاری — جلسه ٥٤ — شماره مسلسل ـ ۱۳۱۱

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۲٦ امرداد ماه ۱۳۲۳☆

فهرست مطالب :

۱ ـ تصویب صورت مجلس
۲ ـ مذاکره در دستور
۳ ـ خروج استیضاح از دستور
٤ ـ بقیه شور درلایحه سازمان بهداری
٥ ـ موقع و دستور جلسه آتیه ـ ختم جلسه

مجلس دو ساعت قبل از ظهر بریاست آقای امیرتیمور (نایب رئیس) تشکیل گردید

صورت مجلس روز سه شنبه ۲٤ امرداد ماه را آقای طوسی (منشی) قرائت نمودند ☆☆

[۱ ـ تصویب صورت مجلس]

نایب رئیس ـ درصورت مجلس نظری نیست؟ آقای فرخ نسبت بصورت مجلس فرمایشی دارید ؟

فرخ ـ اخطار نظامنامه ایست بعداز تصویب صورتجلسه عرض میکنم .

نایب رئیس ـ اخطارنظامنامه ای اگرنسبت باین جلسه باشد بسیارخوب ...

فرخ ـ راجع بجلسه قبل است .

نایب رئیس ـ نمیتوانیم اخطار نظامنامه ای جلسه قبل را مربوط باین جلسه بدانیم .

فرخ ـ ماده ۱۰۹ نظامنامهٔ داخلی میگوید : « اگر درضمن مباحثات و نطق افترا وتهمتی بیکی از نمایندگان زده شود یا عقیده و اظهار او برخلاف واقع جلوه داده شود ونمایندهٔ مذکوربرای تبرئه ورفع اشتباه اجازه نطق بخواهد

☆ عین مذاکرات مشروح پنجاه وچهارمین جلسه از چهاردهمین دورهٔ قانون گذاری (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

ادارهٔ تندنویسی وتحریر صورت مجلس

☆☆اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین با اجازه ـ آقایان : افخمی ـ اقبال .

غائبین بی اجازه ـ آقایان : تربتی ـ مظفر زاده ـ ذوالفقاری ـ بیات ـ دکتر اعتبار ـ خاکباز ـ ذوالقدر ـ شجاع ـ نبوی ـ نقابت رحیمیان ـ کفائی ـ آصف ـ صمصام ـ فتوحی ـ تولیت ـ تیمور تاش ـ قبادیان ـ ظفری ـ ملایری ـ سیف پور ـ تهرانچی دشتی ـ مهندس فریور ـ معدل ـ حشمتی .

دیرآمده بی اجازه ـ آقای هاشمی .

بدون رعایت نوبت اجازه داده خواهد شد .» در جلسهٔ قبل درضمن طرح اعتبارنامهٔ آقای عباس‌پاشا تیموری بنده راجع بواقعه جرح یا قتل نسبت بیك طبیب درخوی عرضی کردم وبعدهم بمناسبت اینکه بنده کسالت داشتم وحالم بهم خورد بشهادت آقای دکتر طاهری چون تب داشتم ازجلسه خارج شدم درغیاب بنده آقای امیر تیمور یك جملات موهون و بی مرحمتی و آقای حکمت بعنوان تهمت و افترا نسبت به بنده صحبتی فرمودند که برطبق ماده ۱۰۹ بنده حق دارم توضیح مختصری عرض کنم وخیلی مختصر عرض خواهم کرد قضیه‌ای را که بنده عرض کردم آقای حکمت ، دراوایل ۱۳۲۷ قمری در ماکو واقع شده خود بنده حضور داشتم ، میرقوام طبیب پسرمیرابراهیم برادر میرصالح‌خوئی گلوله خورد روی‌پستان راستش وازپشتش‌خارج شد بنده اتهامی‌را که نسبت به‌بنده بعنوان یکنفرمفتری توجه پیدا میکند بعهده میگیرم ، ودر هرمحکمهٔ قانونی اگر مورد تردید آقایان است حاضر هستم ثابت کنم. آقا مطمئن باشید که بنده دروغ نگفتم و دروغ هم نمی گویم وبا سوابقی که بنده باجنابعالی داشتم درفارس ومدتی والی شما بودم شاید دروغ عرض نکرده باشم وازمن دروغ نشنیده باشید، بعلاوه درمذاکراتی که درمجلس میشود اگرهم جنبهٔ تلافی پارلمانی داشته باشد بهتراین است که از جنبهٔ نزاکت خارج نشویم و بیمورد صحبت نکنیم ، زیرا اگر سواد فارسی آقای عباس تیموری از آقای امیر تیمور بیشتر باشد البته خطشان هم از خط بنده بهتر میشود ، فرق است بین حقیقت وسفسطه ، بنده راجع باین قضیه نمیخواهم وقت آقایان ومجلس را بگیرم . زیرا سعدی میفرماید :

چواز قومی یکی بیدانشی کرد
نه که را منزلت ماند نه مه را
شنیدستی که گاوی درعلف زار
بیالاید همه گاوان ده را ...

(هاشمی ـ ما گاو نیستیم آقای‌فرخ) شاید بنده راهم آنقدر ـقوت بیان نباشد که عرایضم را بعرض مجلس برسانم . بنده برطبق ماده ۱۰۹ از کرسی خطابه استفاده کردم وازموضوع هم نمی‌توانم خارج بشوم ولی یك تلگرافی‌رسیده برای بنده ازطرف آقای سیف پور که فرستاده‌است وتقاضا کرده است ازمجلس که‌خوانده‌شود استدعامیکنم اگراجازه میفرمایند آقای هاشمی قرائت بفرمایند .

هاشمی ـ ولی ازشعردوم گله داریم (خندهٔ نمایندگان).

نایب رئیس ـ توجه بفرمایند آقایان‌من احساس‌میکردم که آقای فرخ فرمایشی خواهند فرمود مربوط به بنده این بود که اجازه بایشان دادم که فرمایشاتشان را بفرمایند ، لکن عرض میکنم که اخطار نظامنامه ای مربوط بهمان جلسه ایست که مذاکره بعمل میآید، این توضیح راعرض میکنم که یك‌سابقهٔ‌درمجلس‌شورای‌ملی‌نماندواخطارنظامنامهٔ درهمان جلسه باید بعمل بیاید (نمایندگان ـ صحیح‌است) واین اجازه استثنائاً بایشان داده شد چون‌خیال میکردم‌از خود بنده صحبت خواهد شد .

فرخ ـ بنده غایب بودم آقا .

نایب رئیس ـ میبایست غیبت نفرمائید و از وقت تان استفاده بفرمائید آقای یمین اسفندیاری در دستور فرمایشی داشتید ؟

یمین اسفندیاری ـ خیر قبل از دستور عرض داشتم .

نایب رئیس ـ آقای دکتر کشاورز .

دکتر کشاورز ـ گفتار بنده راجع بموضوع سانسور رادیو بود در جلسه قبل نگرانی وعکس‌العملی برای بعضی از آقایان همکاران در خارج تولید کرد ، خواستم عرض کنم که نسبت باین سانسور که در اداره رادیو بوده است و این امر خلاف قانون‌و این سانسورغیرقانونی‌بنده ابداًبآن‌اعتنائی نکردم وهرچه گفتنی‌داشتم‌چون‌باموازین مشروطیت‌وقانون اساسی‌مطابقت‌داشت‌عرض کردم‌وابداً هم بسانسوراهمیت‌ندادم.

نایب رئیس ـ آقای‌دکتر این‌فرمایشاتتان ابداً مربوط بصورت مجلس نبود خواهش میکنم ، اگر فرمایشی دارید اجازه بگیرید و بفرمائید . آقای فولادوند نسبت بصورت مجلس نظری دارید ؟

فولادوند ـ خیر عرضی ندارم .

نایب رئیس ـ آقای صفوی‌درصورت مجلس‌نظری‌دارید؟

صفوی ـ عرض کنم در سئوالی که بنده از آقای وزیر کشاورزی کرده بودم راجع به‌بندربوشهروعده‌فرموده‌بودند که ۴۴۰ تن‌اجازه بدهندولی بنده عرض کردم که این‌مقدار کافی نیست و باید بیشترداده‌شودامسال هیچ بذر برای‌بوشهر واطراف داده نشده است بنده از دولت تقاضا کردم و عرض کردم که این ۴۴۰ تن کافی نیست و این ها دوهزار تن بذر لازم دارند که اگر انشاءالله خداوند تفضلی بفرمایند رفع احتیاجشان بشود . در صورت مجلس شرحی نوشته اند مثل اینکه بنده آنجا قانع شده ام در صورتیکه بعد از ایشان خواهش کرده بودم که مقدارش را تأمین بفرمایند .

نایب رئیس ـ بسیارخوب‌اصلاح‌میشود . آقای‌حکمت نسبت بصورت مجلس فرمایشی دارید ؟

حکمت ـ نه خیر ، نسبت بفرمایشات آقای فرخ .

نایب رئیس ـ پس راجع بصورت مجلس نیست ، دیگر نسبت بصورت مجلس نظری نیست ؟

نمایندگان ـ خیر

نایب رئیس ـ صورت مجلس تصویب شد .

فداکار ـ تذکر نظامنامهٔ‌ای دارم .

نایب رئیس ـ بفرمائید .

فداکار ـ عرض کنم ، ماده ۵۴ نظامنامه حق میدهد بتمام نمایندگان سئوالاتی از وزراء بکنند فقط در ماده ۵۶ در مواردیکه استثنار آن ها لازم است می نویسد وزیر حق دارد که جواب ندهد بنده دو ماه است که راجع بسود صدی ۱۲ کارخانجات از آقای‌وزیر پیشه وهنر وبازرگانی سئوال کرده ام و جواب نداده اند .

وزیر پیشه و هنر (آقای اردلان) ـ بنده همیشه در مجلس شورای‌ملی حاضر بوده ام‌باستثنای‌یك هفته که‌مریض بودم آقایان هر وقت که‌سئوال بفرمایند بنده جواب‌میدهم، بنده هیچوقت استنکاف نکرده‌ام .

حکمت ـ بنده‌یك‌توضیحی‌دارم‌اجازه‌می فرمائید؟راجع بصورت جلسه قبل است .

نایب رئیس ـ بفرمائید .

حکمت ـ متأسفانه آقای فرخ در جلسه گذشته موقعی که بنده‌صحبت‌میکردم‌تشریف‌نداشتندو اگرکسی‌جریانات مجلس راباطلاع ایشان رسانده‌است‌تصورمیکنم بر خلاف‌واقع بوده است بنده فقط گفتم که این معقول وباور کردنی‌نیست که کسی‌برای فرزند مریضش طبیبی را بخواهد و بعداو را بزند و بکشد ، بنده نسبت بایشان عرضی‌نکردم و افترائی نزدم و عرض نکردم که ایشان این جریان را نمیدانند . زیرا بنده آقای فرخ را علاوه بر اینکه بسوابق شان اطلاع دارم‌ایشان‌مردی‌پاکدامن‌وبسیار پاك‌اهل کار وشخص‌درستکار هستند بیخود تصور نکنند که بنده نظری داشتم که اهانتی بایشان بشود .

[۲ - مذاکره در دستور]

نایب رئیس ـ عده‌ای از آقایان اجازه نطق قبل‌ازدستور خواسته‌اند .

عده ازنمایندگان ـ دستور . دستور .

شهاب فردوسی ـ بنده مخالفم .

نایب رئیس ـ آقای‌شهاب باورود دردستور مخالف‌هستید بفرمائید .

شهاب فردوسی ـ بطوریکه‌خود آقایان اطلاع‌دارند شاید دراین مدت پنج شش‌ماه بنده هیچ نطق قبل ازدستور نکرده‌ام و عقیده هم ندارم چندان بتأثیر نطق قبل از دستور ولی ازلحاظ اینکه یك‌اوضاع ویك‌پیش آمدهائی شده‌است در حوزهٔ انتخابیه بنده که لازم است اینجا گفته شود راجع بحوزه انتخابی خودم یك عرایضی داشتم که مربوط باقای وزیر جنگ و وزیر دارائی است راجع باین‌موضوع نوشته‌ام وصحبت هم کرده‌ام ولی بالاخره نتیجه گرفته‌نشده وبنده میخواهم تاآنجائیکه وظیفه‌دارم‌تذکر بدهم‌و آخرین مرحله‌اش مجلس است ، خواستم اول اینجا تذکر بدهم‌ونتیجه بگیرم وعرایض دیگری هم دارم که بعدبعرض مجلس‌میرسانم

نایب رئیس ـ رأی گرفته میشود بورود در دستور آقایانیکه‌موافقند قیام فرمایند؟ (اکثر برخاستند)تصویب شد .

[۳ - خروج استیضاح از دستور]

نایب رئیس ـ استیضاح مطرح است . آقای بهبهانی فرمایشی دارید ؟

بهبهانی ـ بنده در دستور عرض دارم ، در این چندروزه درمجامع فراکسیونی مذاکراتی در اطراف استیضاح میشدو البته آقایان کم وبیش که باهم مربوط هستند صحبت کرده اند دراین موضوع وروبهم رفته عده کثیری از آقایان نظرشان این بود که برای مطالعه عمیق تری واطلاعات بیشتری این استیضاح چند روزی عقب بیفتد واین نظر موجب این شد که بنده با اینکه میدانم هم دولت حاضراست وهم آقای فرهودی حاضرند برای استیضاح ولی این نظر آقایان نمایندگان هم در موردخودش یك قیمتی دارد (صحیح است) برای اینکه دراستیضاح نمایندگان هم حق نظر دارند این است که از آقای فرهودی خواهش میکنم که این استیضاح بچند روز بعد موکول شود و برای روز یکشنبه ۵ شهریور بماند حالا این بسته باین است که آقای فرهودی و دولت قبول بکنند .

نایب رئیس ـ آقای فرهودی .

فرهودی ـ همان طور که آقای بهبهانی تذکر فرمودند بنده برای استیضاح حاضر هستم ولی چون استیضاح یك امر پارلمانی است و مربوط بتمام آقایان نمایندگان است وچون احساس میکنم که نظرا کثریت محترم مجلس باپیشنهاد ایشان موافق است این است که بنده هم بسهم خودم موافقت دارم که تقاضای آقای بهبهانی را بپذیرم که روز یك شنبه ۵ شهریور این استیضاح ملی انجام بشود (طباطبائی ـ اخطار نظامنامهٔ دارم)

نایب رئیس ـ آقای نخست وزیر شما هم موافقت دارید؟

نخست وزیر (آقای ساعد) ـ دولت حاضر است برای استیضاح حالا بسته بنظر مجلس شورای ملی ودولت تابع نظر مجلس شورای ملی است

طباطبائی ـ اجازه بفرمائید بنده اخطار نظامنامه‌ای دارم

نایب رئیس ـ راجع بچه موضوع !

طباطبائی ـ راجع بهمین موضوع

نایب رئیس ـ راجع بچه ماده است ماده‌اش رابخوانید .

طباطبائی ـ فصل ششم نظامنامه داخلی درباب استیضاح و سئوالات از وزراء

نایب رئیس ـ بفرمائید

طباطبائی ـ فصل ششم در باب استیضاح و سئوالات از وزراء

ماده چهل و چهارم میگوید: هر نماینده‌ای که ازوزیری میخواهد استیضاحی نماید باید تقاضای خودرا کتباً برئیس داده و موضوع استیضاح را در ضمن معین نماید . رئیس آنرا در مجلس قرائت میکند ومجلس باید آن تقاضا را قبول نموده و پس از آنکه ازاظهارات وزیر یا وزراء درباب تعیین روزیکه استیضاح باید بعمل آید مستحضر شد بدون مباحثه در اصل موضوع قرار روز استیضاح را بدهد . استیضاحاتیکه درباب امور سیاسی داخلی مملکت است نباید بیش از یکماه بعهده تعویق بماند .

استیضاحی که شده در ۲۲ ماه گذشته بوده است ، امروز بیست و ششم است ، چهار روز هم گذشته از موعد قانونی و نظامنامه‌ای استیضاح ، من فصل ششم را ازاول تا آخر مطالعه کردم عنوانی وصحبتی از تأخیر ووساطت ومیانجیگری یك نفر نماینده‌ای یا اکثریت یا اقلیت بهیچوجه در نظامنامه نیست فقط یکماده پیدا کردم که اگر کوچك باشد میخوانم.

ماده ۵۳ ـ « استیضاحی که تقاضا شده است و بعد صاحب تقاضا آنرا مسترد ساخته نمایندگان دیگر میتوانند آنرا اختیار نموده عنوان نمایند

۱ ـ عنوان استردادهست عرض کردم ، تکرار میکنم که صحبت از میانجیگری و تأخیر و وساطت نیست مشی مجلس بعقیده بنده بایدروی قانون باشد ، ما باید سرمشق نظم وانتظام وقانون باشیم ، (نمایندگان ـ صحیح است) الان یکماه و چهار روز است استیضاح شده ، نمیخواهید استیضاح بکنید پس بگیرید .

بهبهانی ـ اجازه می‌فرمائید ؟

نایب رئیس ـ آقای بهبهانی فرمایشی دارید آقا ؟

بهبهانی ـ تصور میکنم آقای طباطبائی توجه نفرمودند واشتباه کرده اند اینکه در نظامنامه داخلی نوشته است که یکماه موعد دارد ، برای این است که دولت بیش از یکماه حق ندارداستیضاح را عقب بیندازد واین مربوط باین نیست که در مجلس یك حقوقی که هست ضایع کنیم ، یکی از حقوق مجلس این است که دستور مجلس را باید مجلس تعیین کند ، ودرهرموقع هم میتواند دستور خودش را تغییر بدهد ، استیضاح جزء دستور است و دستور را هم بنده تقاضا کردم تغییر بدهند سایر آقایان نمایندگان هم گمان میکنم اکثریت موافقند ، علاوه براین استیضاح کننده آقای فرهودی و استیضاح شونده یعنی دولت حاضر هستند ، وقتی که آقای فرهودی قبول میکنند که چند روزی بتأخیر بیندازند دیگر اشکالی نیست ودولت هم قبول کرد اینها دیگرمانعی ندارد . علاوهٔ براین یك سوابقی درمجلس هست که آن سوابق همیشه جزء عمل مجلس است واین عمل درهمین دوره و در دوره‌های گذشته ، در دوره های اسبق مشروطیت هم ازرئیس الوزراهای گذشته شده بنده در نظردارم ازوقتی که آقای مؤتمن الملك تشریف داشتند در استیضاحی که از آقای مستوفی الممالك و در دوره قبل از آن نسبت بآقای فرمانفرما شده بود این استیضاحات را در مجلس نمایندگان تقاضا کردند و عقب انداختند ، بنابراین هیچ مانعی ندارد نه مانع قانونی دارد و نه مانع سابقهٔ و این تقاضای بنده ممکن است پذیرفته شود و هیچ مانعی ندارد که عقب بیفتد و بروز یك شنبه موکول شود (صحیح است) (طباطبائی ـ اجازه بفرمائید توضیح عرض کنم)

نایب رئیس ـ دیگر توضیح ندارد آقا با سوابقی که هست هیچ مانعی ندارد که این استیضاح بجلسه بعد موکول بشود

مهندس فریور ـ اجازه میفرمائید؟ اگر پیشنهاد خروج از دستور است رأی لازم دارد

نایب رئیس ـ پیشنهاد خروج از دستور نیست ، خود آقای فرهودی که بایستی استیضاح کنند موافقت فرمودند مانع قانونی هم ندارد که یك شنبه باشد و مانع قانونی هم ندارد سوابق هم تکمیل میکند این موضوع را

مهندس فریور ـ بنده در همین موضوع تذکر دارم .

طباطبائی ـ این مانع قانونی دارد بنده ماده نظامنامه را برای شما خواندم باید رأی بگیرید

نایب رئیس ـ مانعی ندارد وموافقت شده است که بجلسه دیگر موکول شود محتاج برأی نیست

دکتر عبده ـ بنده اخطار نظامنامهٔ دارم .

نایب رئیس ـ راجع به چه آقا ؟

دکتر عبده ـ برای اینکه استیضاح اگر از دستور خارج بشود رأی باید گرفته شود

نایب رئیس ـ استیضاح جزء دستور بوده است آقای فرهودی موافقت کردند که بماند برای جلسهٔ آتیه و محتاج برأی نیست (صحیح است) .

(دکتر عبده ومهندس فریور ـ حق ندارند) (همهمه نمایندگان) (صدای زنگ)

نایب رئیس ـ بدون اجازه حق ندارید شما حرف بزنید فقط ، میتوانید قبول کنید که استیضاح را بعمل بیاورید (صحیح است)

[۴ - بقیه شور در لایحه سازمان بهداری]

جمعی ازنمایندگان ـ دستور . دستور

نایب رئیس ـ لایحه بهداری مطرح است .

طباطبائی ـ مطرح نیست آقا

نایب رئیس ـ پیشنهادی که از آقای هاشمی و رفیع رسیده است قرائت میشود :

پیشنهاد میکنم ـ وزارت بهداری مکلف باشد سازمان بهداری را درتمام کشور به تناسب جمعیتهای هر محل قرارداده و همچنین نسبت به تقسیم داروها متناسب باسکنهٔ هر منطقه باشد .

طباطبائی ـ بنده مخالفم با این پیشنهاد

نایب رئیس ـ آقای هاشمی .

هاشمی ـ عرض کنم ، از آقایان محترمی که هنوز خاطرشان معطوف بموضوع سابق است استدعا میکنم چه رأی گرفته شود وچه رأی گرفته نشود نتیجه یکی میشود ، این است که مجلس

وارد شده است در این موضوع ـ (طباطبائی ـ مجلس وارد نشده است شما وارد شده‌اید) . . .

بنده در این خصوص نظری ندارم .

نایب رئیس ـ آقای هاشمی موضوع خودتان رابفرمائید

هاشمی ـ این پیشنهاد را آقای رفیعی فرموده بودند نظر به نیازمندیهائی که در حوزهٔ انتخابیه خودشان و سایر حوزه‌هائی که اکثریت ایران را تشکیل داده است میدیدند در جلسه گذشته بدون اینکه به نتیجه‌ای برسیم مجلس از اکثریت افتادو مجبور بختم جلسه شدیم بنده صبح پیشنهادایشان را قبول و امضاء کردم برای اینکه در اطراف موضوع خدمت آقایان چند دقیقه عرایضی بعرض برسانم و به نتیجه‌ای برسیم خلاصه نتیجه پیشنهاد آقای رفیع این است که تبعیضات گذشته نسبت بموضوع بهداری بر داشته شود و به نقطه ای توجه و عنایت زیادتری نشود ، در سابق نسبت به بعضی از نقاط شمالی و مرکز بیش از جنوب توجه میشد بنده نسبت به بهداشت عمومی کشور یك نظر خیلی بلندی دارم سه سال پیش‌تر درپشت این‌تریبون عرض کردم اگر یك زمامداران دلسوزی برای کشور ایران پیدا نشوند که در مدت‌سی‌سال کاری کنند که ایران دارای سه مقابل جمعیت کنونی بشود آن‌هم جمعیت سالم ، اصلاً بقای ایران درصحنهٔ سیاست امروز دنیا متعسر است آقای رفیعی نظرشان بجاهائی بوده که امروز یك نفر طبیب ندارد و دارو در آنجا ابداً یافت نمیشود تا کنون هم باین اندازه احتیاجات آنها محسوس نبوده است برای اینکه در زمان گذشته یك اطبای قدیمی بودندویك تجربیاتی داشتند ، آن اشخاص تمام شدند و از بین رفتند از طرفی امراض زیاد شده و ازطرف دیگر طبیب واشخاص مجرب در محل‌ها باقی نمانده و آن نقاط قسمتهای نـواحی جنوب است بنده نمیخواهـم بطور تفصیل و واقع وضع آن نقاطرا شرح بدهم ، زیرا اگر شرح بدهم باعث‌تأثر خودبنده و آقایان میشود یك چیز را عرض میکنم و آن این است که در۳۲۶سال پیش از میلاد تـاریخ امیرالبحر اسکندر از این راه وبعضی آن اماکن عبور کرده است ویك سفر نامه دارد خلاصه اش این است که باید بگویم که در ۲۲۷۰سال یعنی از ۲۳ قرن قبل تا بحال تغییرات فاحشی در آنجاهـا نشده این هم خلاصهٔ بود که بهتر از این نمیتوانستم بگویم چرا بعداز ۲۳ قرن وضع یك قومی تغییر نکرده هیچ بلکه انروزمطابق نوشتهٔ آن‌مرد آن امیرالبحر اهالی آنجاهامردمان جنگی بودندمردمان صحیح‌البنیهٔ بودندامروز با این‌تسریع در وسایل حمل ونقل و ورود اشخاص از ممالك مختلفه در آنجاها تخم انواع و اقسام امراض گوناگون در بین آنهـا کاشته شده‌و آن‌سلامتی طبیعی بیابانگردی آنها ازشان‌سلب شده است حالا برای اینکه بتوانیم از حیث بهداشت هرمحل و طبیب و دارو شهرستانهای دور دست و قصبات و دهات را بر خوردار کنیم راهش را هم عرض میکنم در مرحلهٔ اول یك قانونی گمان‌میکنم وزارت بهداری لازم‌داردیا در همین قانون‌سازمانی که‌محول‌شده‌است‌بکمیسیون‌بهداری‌پیش‌بینی بشود که بتوانند اجرا کنند که اطبای درجهٔ اول بدین نقاط مسافرت بکنند‌یعنی که‌دوسال سه‌سال بروند اینجاهاطبیب مجاز نمیتواند منظور را تامین کند جناب‌آقای وزیربهداری بلکه‌امراض‌این‌نقاط‌امروز بجائی رسیده‌است که‌طبیبان‌بسیار مجرب‌وبسیارماهر لازم‌دارد که‌بآنجااعزام‌دارند مسئلهٔ دوم که گمان میکنم اساسی‌تر باشد و آقای فولادوند هم دیروز بمن یاد آوری فرمودند این است که در بودجه‌های این نقـاط تجدید نظر شود چون غالباً برای نمایندهٔ بهداری یا رئیس بهداری اینگونـه محل ها رتبهٔ ۱ و ۲ پیش بینی شده است رتبه‌های متصدیان‌اینگونه نقاط را بالا ببرید رتبه ۶ ، ۷ ، ۸ قرار بدهید که بالاخره اطبای خوب حاضر بشوند که برای انتفاع مادی‌هم که باشدباین نقاط مسافرت بکنندواین‌تکلیف دوم‌تکلیف‌سوم‌این است کـه وسایل ورود بدانشکده طب را برای داوطلبان آسان بکنند شاگردانی که از شهرستانها از نقاط دور دست درس خوانده اند و دیپلمه شده اند ومیآیند مخصوصاً با ملاحظهٔ این امر که از اینگونه نقاط باشند در دانشکدهٔ پزشکی واردشـان بکنید یعنی وسایل ورودشان را با کمـال آسانی فراهم کنند. توسعه‌بدهیددر کاردانشکده

و وقتی که وسایل فراهم شد اینهـا بهتر حـاضر هستند بروند درهمان نقاطی که بزرگ شده اند و پرورش یافته اند بمردم خدمت کنند این همان کاری است که مردمان‌بزرگ این کشور امثال خواجه نظام‌الملك در نهصد سال پیشتر میکردند‌یعنی‌ازدهات وقصبات‌اشخاص وجوانهای‌مستعدلایق را میآوردند درنظامیه‌ها مدارس آندوره درقسمت‌های‌قضائی طبابت غیرذلك تحصیل میکردند پس ازاکمال تحصیلاتشان آنها را برمیگرداندندتا در اینگونه نقاط خدمت کنند این را هم البته دولت باید در نظر بگیرد تا شاید برای ۵ سال ۸ سال ۱۰ سال دیگر مستغنی بشویم بنده هم آن پیشنهـادی را که آقای رفیعی پیشنهاد کردند خود امضاء و قبول کردم که بتناسب نفوس باشد امـا این قسمت را هم خودم تصدیق میکنم که بتناسب نفوس فقط کافی‌نیست زیرا که یك‌جاهائی است که نفوسشان کمتر است ولی نیازمندیهـای بهداشت و بهداریشان زیادتراست آقای‌مخبر و آقای وزیرتوجه بفرمایند که باین نقاط بیشتر توجه کنند و از آقای رفیعی هم تمنـا میکنم قبول‌زحمت بفرمایند بکمیسیون بودجه تشریف‌ببرند نظارت بفرمایند تا وقتی که اینجاهای عقب افتاده هم یك قدری برخوردارشوند .

دکتر کشاورز (مخبر کمیسیون) ـ بنده آنروز هـم خدمت آقایان عرض کردم که این پیشنهـاد اصولاً صحیح است‌ولی برای اینکه دست وزارت بهداری در بعضی ازامور فنی باز باشد بپیشنهاد آقای رفیعی اضافه باید کرد بادرنظر گرفتن جمعیت و اوضاع فنی محل یا اوضاع بهداشتی محل (فداکار ـ احتیاجات) یا احتیاجات بهداشتی محل‌برای‌اینکه وزارت بهداری بتواند در امور فنی دستش باز باشد از بعضی بیماریهای اتفاقی‌وواگیری‌جلوگیری کند آقای هاشمی در قسمت پیشنهاد خودشان مطالبی فرمودند که بنده نه تنهـا بعنوان مخبر کمیسیون بهداری بلکه بعنوان یك طبیب ناچارم بایشان جواب بدهم برای اینکه ازحق یکعده همکاران خودم دفاع کرده باشم آقای هاشمی پیشنهاد کردند بمجلس شورای‌ملی که در کمیسیون‌بهداری توجه بشود که درضمن تدوین آئین نامهٔ بهداری و سازمان بهداری اطبای دیپلمه و اطبای‌درجه‌اول بگفتهٔ‌ایشان مجبورباشند که باطراف‌واکناف ایران مسافرت کنند و اقامت کنند و در آنجا طبابت کنند آقای هاشمی در یك مملکتی که اوضاعش و اوضاع تحصیل کرده هایش آنطوری است که ما می بینیم عملی‌نیست‌برای اینکه اولاً اطباء با یکعده مخاطراتی مواجه هستند که بایستی ملت ودولت آنهارا درمقابل آن خطرها حفظ کنند آتیـه آنها را تأمین کنند زندگانیشان را تأمین کنند آتیهٔ اولادشان را اگر در نتیجهٔ ابتلای بیك بیماری از بین رفتند تأمین بکنند دراینصورت مجلس شورایملی ودولت حق‌دارند بطبیب بگویند تو برو بخاش، برو ببوشهر، برو دراقصی‌نقاط مملکت در آنجا خدمت کن اما این عملیات نسبت باطباء نمیشود واما یك اشکال دیگری هم این پیشنهاد شما دارد و آن این است کـه شما خودتان میفرمائید یك طبیب درجـه اول طبیب درجهٔ‌اول یعنی یك کسی که یك تحصیلات بیست وچندسالهٔ‌مرتب کرده باشد و یك‌تجربیات‌اضافه بر تحصیلاتش بدست آورده درمملکت‌ما که وزارت و کالت ریاست تحصیلات عالیه لازم‌ندارد وهیچ شرط وقیدی برای و کیل شدن برای وزیرشدن برای‌رئیس‌شدن وجودندارد بلکه خویش‌وقومی برای رئیس اداره و مدیـر کل شدن کافی باشد این توهین باطباء است کـه بگوینـد به طبیب هر جـا تو سرش زدند مجبـور باشـد برود نـه اطبـاء هـم مدافعینی دارنـد. بنده از طرفشان بنام یك همکارشان قول میدهم که با کمال افتخاردراقصی‌نقاط مملکت‌درمنتهای‌سختی‌زندگی‌بمملکتشان خدمت بکنند امـا در صورتیکه در این مملکت تحصیلات ارزش داشته‌باشد درموقعیکه برای وکیل ووزیر شدن‌رئیس شدن تحصیلات و سابقهٔ خدمت سند باشد دراینصورت تمـام اطباءباکمال افتخارحاضرند هرجائی که دولت ومجلس‌دستور بدهد بروند اما الآن بااین وضعی که ما داریم فلان طبیب درجه اول حاضر نیست برود خاش وحق دارد زیرا هروقت که امور مملکتشان اصلاح‌شد (واین اصلاح هم بدست‌مجلس شورای ملی است) آنوقت این امر آقایان نمایندگان از

طرف همکاران بنده بروی چشم وقبول خواهد شد بایدراجع بپیشنهاد آقای رفیعی بنده از طرف کمیسیون باقید این نکته که با در نظر گرفتن احتیاجات ووضعیت محل بنده قبول میکنم .

نایب‌رئیس ـ آقای هاشمی .

هاشمی ـ بنده عرض نکردم بدون وسایل همچنین عرض نکردم اطباء درجهٔ اول غیر از مستخدمین وزارت بهداری بنده عرض نکردم اشخاص آزاد را مجبور کنند وملزم کنند ولی جنابعالی که دفاع فرمودید بنده خیلی متأسفم که نمیبینم در همان نواحی طبیب تحصیل کردهٔ درجهٔ اول لندن آمد .

دکتر کشاورز ـ برای آنها همه نوع وسیله فراهم است

هاشمی ـ وازباب دلسوزی ونوع پروری اینگونه امراض را معالجه میکند ولی رفیق وهمکار وطبیب ایرانی محترم من در مجلس شورای ملی اشکال تراشی میکنند .

نایب‌رئیس ـ آقای وزیر بهداری جنابعالی با اصلاحی که آقای مخبر قبول فرمودند موافقت دارید ؟

وزیر بهداری ـ پس از اصلاح موافقت دارم .

نایب‌رئیس ـ پیشنهادی از آقای دهستانی رسیده که بعرض مجلس میرسد . (بشرح زیر قرائت شد)

در آخر تبصرهٔ ۲ بعد از جمله تحت نظر مستقیم و کامل وزارت بهداری علاوه شود مطابق اصول بازرگانی درتحت نظر یك هیئت مدیره اداره خواهد شد .

دهستانی ـ عرض کنم پیشنهادی که بنده کردم مقصودم این بود که این بنگاه یك وضعیت اداری پیدا نکند یعنی روی یك جریانی که میز وصندلی زیاد باشد اداره نشود تا اینکه بتمام معنی مردم بتوانند از این بنگاه استفاده کنند این است که من بطور خلاصه پیشنهاد کردم که مطابق اصول بازرگانی وتحت نظر یك هیئت مدیره اداره شود گمان میکنم اگر آقایان توجه بفرمایند فوق‌العاده از برای جامعه مفید باشد .

دکتر کشاورز ـ این بنگاه داروئی کل کشور تا بحال همینطور یعنی بطور بازرگانی اداره میشده است و بعداً هم بطور بازرگانی اداره خواهد شد ولی بازهم اطاعت میشود و نظر آقا تأمین است .

نایب‌رئیس ـ نظرشما آقای دهستانی تأمین میشود یعنی بطور بازرگانی اداره میشود بنابراین پیشنهادشما موردندارد استرداد بفرمائید

یکی از نمایندگان ـ مخبر قبول کردند

نایب‌رئیس ـ چون نظرشان تأمین است پیشنهاد موردندارد پیشنهادی از آقای دکتر آقایان رسیده است که بعرض مجلس میرسد : درهرشهری که وزارت بهداری مریضخانه دارد یابعداً داشته باشد انجمن شهرداری حق نظارت درکار مریضخانه و تقسیم دارو خواهد داشت

نایب‌رئیس ـ آقای دکتر آقایان

دکتر آقایان ـ در جلسهٔ گذشته اینجا گفته شد که وزارت بهداری درسفارش دارو وتقسیم دارو صلاحیش بیشتر از وزارت دارائی است گوینده فراموش کرد که بگوید که وزارت بهداری اقلاً در سابق در فروش هم ید طولائی داشته بنده در سال گذشته بلوك های کافوری که دارای اتیکت وزارت بهداری دولت شاهنشاهی بود در عراق و بغداد دیدم الآن هم هست من دو بلوك این را بسفارت شاهنشاهی ارائه دادم برای اینکه شاهد داشته باشم اینهارا هربلو کی ۹ تومان دربغداد قاچاق چیها فروخته بودند و وقتی بنده خواستم بخرم ۲۰ لیره ازمن خواستند یعنی ۲۰ مقابل پولی که بطور قاچاق خریده شده است الآن هم که روی اصول بازرگانی این بنگاه داروئی اداره میشود وضعیت همانست یعنی داروهائی که متعلق باین بنگاه است دربازار آزاد بده مقابل بیست مقابل فروخته میشود پریروزها در هفته گذشته در چالوس رئیس تلگرافخانه برای من حکایت کرد که ۸ صندوق دارو چند روز قبل ما تحویل گرفتیم امروز بچهٔ من مریض بود بردم پیش طبیب گفته گنه گنه شیرین برایش نوشت ولی گفت که گنه گنه شیرین ما نداریم ولی پیش فلان عطارهست از آنجا بگیرید ملاحظه می فرمائید ؟ پس بعضی صحبتهائیکه درجلسه گذشته اینجا شد که مردم در کارهای عمومی مداخله کنند

این بسیاراصل صحیحی است بنده پیشنهاد کردم که درهرجا که مریضخانه هست درهرجا که وزارت بهداری دارو میفرستد برای تقسیم خود مردم حق نظارت داشته باشند به بنده گفته میشود که اگر این کار را بکنند مردم نظارت نمی کنند و نتیجه ندارد این جوابش خیلی ساده است ما بمردم اجازه میدهیم که این داروئیکه تقسیم میشود درمریضخانهٔ که تأسیس میشود درش نظارت داشته باشند حالا اگر خود مردم فلان شهر بقدری بی کفایت باشند که ازین حق نظارت خودشان استفاده نکنند که اجازهٔ سوء استفاده ندهند دندشان نرم شود از بی دوائی بمیرند بعلت اینکه در اینصورت تقصیر با خودشان است بنده معتقدم تاروزیکه مردم دخالت در کارها پیدا نکنند کارها درست نمی‌شود بنده نمی‌فهمم که چه سابق وچه امروزچطوراست که مال متعلق بوزارت بهداری واداره داروئی دردست مردم بیفتد این چه سری است اگر اینطور باشد تمام دواسازهای کرهٔ ارض باید همه شان بعد از یك سال ورشکست شده باشند آقای وزیربهداری حساب خیلی ساده ایست درهر داروخانهٔ در یك دفتری هرداروئی یك صفحه خواهد داشت هر چه هم میدهند سندش باید باشد این سندش با موجودیش را وقتی جمع میکنند باید مطابق مقدار اولیه‌اش در بیاید حسابی است که بچه‌ای هم که تازه ازمدرسه خارج میشود میتواند نگهدارد پس عیب کار در طرز اداره کردنش است یا نمیتوانند اداره کنند یا خود رؤسا میل دارند که اینطور تفریط بشود لهذا نظارت مردم کاملاً در این امور بایستی باشد

مخبر ـ بنده چون از جریان ادویه اطلاع ندارم آقای وزیر بهداری خودشان جواب میدهند

وزیر بهداری ـ راجع به بلوك های کامفر که آقای دکتر آقایان فرمودند به بنده سابقاً هم فرمودند وبنده رفتم تحقیق کردم معلوم شد که شاید در سابق براین کامفری در بازار بوده است چون یك مقدار دوا هم که سابق آورده بودند اشتباهاً روی آنها هم اتیکت وزارت بهداری بوده است ولی مال وزارت بهداری نبوده است سابق براین دواها از دواخانه دولتی خریده میشد و سفارشی که آن دواخانهٔ دولتی داده بود برای اشخاص متفرقه سفارش داده بود ولی ملتفت نشده بودند و تمام را باسم دواخانهٔ دولتی سفارش داده بودند باین جهت روی تمام دواها اتیکت وزارت بهداری بوده است وقتیکه وارد شده است یکمقداری از آنرا با اتیکت وزارت بهداری فروخته بودند باین مناسبت ممکن است که آن کامفر اتیکت بهداری داشته باشد ولی چون آنها بخارج فروخته بودند برده‌اند بخارج با وجود این عرض کردم بنده تحقیق کردم به بنده گفتند این مدرك میخواهد که کی این دوا را برده است بفلان آقا فروخته است این مدرك که بدست بیاید میشود تعقیبش کرد ومن حاضرم که بفرستمش فوراً بعدلیه که تعقیبش کنند متأسفانه مدرك بدست نیامده و الامانعی نبود فرمودند که بنگاه داروئی دوا داده است بنگاه داروئی وظیفه اش اینست که بهمه دوا بدهد همانطوریکه به بنگاهها و بادارات دولتی و بوزارتخانه ها دوا میدهد بمردم هم دوا میفروشد این را که نگفته اند فقط مخصوص است بادارات دولتی برای تمام مملکت است بدواخانه‌ها هم میدهد اما اگر دواخانه ارزان میگیرد و گران میفروشد این امریست علیحده بایستی یك نرخی معین کرد و مطابق آن نرخ بایستی دوا ساز بفروشد و گرانتر نفروشد قانون میخواهد و با تمام اینها بنده چند روز قبل یك هیئت تفتیشیه فرستاده‌ام واز وزارت دادگستری هم درخواست کردم که بفرستند رسیدگی کنند به بینند که اینها حسابشان چیست پولشان چیست وچکار میکنند بالاخره بتمام اینها رسیدگی خواهد شد بعد هم اگر لازم شد بعرض مجلس میرسد درباب دوائی که باید مردم نظارت داشته باشند قبل از اینکه آقا بفرمایند بنده دستور دادم مدتهاست که درهرمحلی که دوا فرستاده میشود درتحت نظر معتمدین محلی بفقرا از این دوا ها داده شود و درگزارشی هم که در یکماه پیش در جواب سئوالیکه آقای دکتر معاون فرموده بودند عرض کردم این قسمت را بعرض آقایان رساندم که بهمه جاها دستور داده شده است وقتی دوا میخواهید بدهید بمردم در تحت نظر یك عده از معتمدین محلی دوا تقسیم شود و بدون

موافقت آنها بکسی دوا داده نخواهد شد

نایب رئیس ـ برای اینکه معطل نشویم چون عده برای رأی کافی نیست پیشنهادهای دیگر قرائت میشود پیشنهادی از آقای نراقی رسیده است که بعرض مجلس میرسد :

پیشنهاد مینمایم تبصره زیر بمادهٔ واحده افزوده شود : تبصره ۳ـ بوزیر بهداری اجازه داده میشود که بادانشکدهٔ پزشکی در مورد توسعه دانشکده و رفع احتیاجات آن همکاری کند

نراقی ـ عرض کنم آقای دکتر توجه بفرمایند اساس تأمین بهداشت کشور بدست آوردن و تهیه کردن پزشک است والا مریضخانه ساختن، دوا آوردن رفع بیماریها و گرفتاریهای کشور را نخواهد کرد در طی ایندو جلسه که راجع به بهداری مذاکره بود هیچ گفته نشد که بچه وسیله ما پزشک باندازه کافی در مملکت داشته باشیم مطابق آماریکه بنده بدست آوردم در تمام ایران ۹۰۰ نفر طبیب دیپلمه بیشتر نیست ....

دکتر معاون ـ ۱۸۰۰ نفر است .

نراقی ـ ۹۰۰ نفر بیشتر نیست باقی آنها طبیب مجازند از این ۹۰۰ نفر پانصد نفرشان ساکن تهرانند وچهارصد نفرشان در تمام ولایات ایران پرا کنده‌اند و آنها هم قسمت اعظمشان درولایات شمالی هستند یعنی در تبریز ورشت و مشهد یك عده هم در اصفهان و بقیه ولایات درجه سوم و چهارم هم یکی دونفر بر گذار شده اگر جمعیت ایران را پانزده میلیون فرض کنیم این میشود برای هر بیست هزار نفر یك نفر پزشك و گمان نمیکنم در پست‌ترین ممالك دنیا و وحشی‌ترین ممالك دنیا اینقدر اختلاف باشد بین تعداد نفوس و پزشک اگر لااقل برای هر پنجهزار نفر نفوس یك پزشك تصور کنیم ایران صاحب سه هزار نفر پزشك دیپلمه باید باشد و حالا نصد تا هستند دانشکدهٔ پزشکی روی یك سوابقی که نمیخواهم وقت مجلس را تضییع کرده باشم روی اغراض خصوصی محدود کرده است قبول داوطلبان پزشکی را (دولت آبادی ـ وسایل ندارد) سال گذشته فقط هشتاد نفر قبول کرده است و بیست نفر هم ازارتش روی هم رفته صد نفر درصورتیکه سیصد نفر در سال گذشته داوطلب بوده است که بدانشکدهٔ پزشکی وارد شوند بعنوان مسابقه مابقی را محروم کرده‌اند آقای دکتر مالك که خودشان دانشکدهٔ دیده هستند و درخارج هم تحصیل کرده‌اند بخوبی میدانند در هیچ جای دنیا تحصیل پزشکی قید ندارد و با مسابقه شاگرد در دانشکدهٔ پزشکی قبول نمیکنند پزشك خدمتگزار جامعه است هر که داوطلب بود مغتنم میشمارند وجود او را اینجا بدبختانه با اینکه طبیب ندارد آنوقت باز قید هم ایجاد کرده ایم برای داوطلبان دانشکدهٔ پزشکی ! حالا اگر معتقدند که یك دانشکدهٔ پزشکی دیگر ایجاد کنیم پنج میلیون تومان لااقل بودجه لازم دارد اما با وسیلهٔ سهل و ساده ممکن است بجای صد نفر دویست نفر قبول کنند دانشکدهٔ پزشکی دوره‌اش شش سال است وقتی که صد نفر قبول شد معلوم نیست پنجاه نفر اینها بتوانند تا شش سال تحصیل بکنند وحیثیت اجتماعی ، اخلاقی ، صحی مالی اینها اجازه بدهد که شش سال در دانشکده بمانند از این صد نفر پنجاه نفرشان بیشتر فارغ التحصیل نخواهند شد و این پنجاه شصت نفر کافی است که فقط جای خالی آن نهصد نفر را بگیرند یعنی از این نهصد نفر یك عده‌شان متقاعد میشوند پیر میشوند میمیرند این پنجاه شصت نفر کافی است که فقط جای آنها را بگیرند پس طبیب در مملکت مازیاد نخواهد شد ، ممکن است آقای کفیل وزارت فرهنك بفرمایند وسایل نیست . آقا وسایل تهیه بکنید ! در مقابل یك امر ضروری و حیاتی ولازم که نباید مسامحه کرد ! وسایل تهیه بکنید کلاس اول را دوبل بکنید چندتا میز میخواهد برای آن کلاس انشاءالله جنك هم سال دیگر تمام خواهد شد وسایر وسایل وچیزهای دیگر هم که لازم است وارد میشود ، نباید این راه را بست وقتی که سیصد نفر جوان حاضرند با پول خودشان بدانشکده پزشکی وارد بشوند اصرار دارند التماس میکنند که ما را قبول کنید و در آتیه ما خدمتگذار این کشو هستیم ننگی از این بالاتر نیست که دولت بگوید ما جانداریم بروید گم شوید .

معاون وزارت فرهنگ (آقای وحید) ـ تصور میکنم

شرحی که آقای نراقی فرمودند که دانشکده پزشکی روی اغراض خصوصی شاگرد قبول نمیکند بنده متاسفم که مجبورم بیانات ایشان را تکذیب کنم زیرا خود ایشان میدانند برای اینکه خودایشان کاملا می‌فرمودند که علم بدون عمل نتیجه ندارد بخصوص قسمت پزشکی دانشجویانی که در دانشکده پزشکی وارد میشوند بنده در یکی ازجلسات گذشته مجلس بعرض رساندم که اگر اینها در روز شش ساعت باید درس داشته باشند دوساعت آنرا سر درس باید باشند چهار ساعت دیگر را عمل بکنند چه در مریضخانه هاوچه در آزمایشگاه‌ها وچه زیردست پزشکان دیگر در یکی دو جلسهٔ دیگر عده‌ای از آقایان نمایندگان مجلس درخود دانشکده پزشکی تشریف آوردند وازنزدیك به آقایان نشان داده شده است که دانشکده پزشکی وسایل پذیرفتن بیش از صد دانشجو ندارد خودشان عملاً و حضوراً دیده اند و علت عمده‌اش را هم عرض کردم وسایل اساسی که بایستی وزارت بهداری یا دانشکده پزشکی تهیه کنند در درجه اول وسیله‌اش پول است وقتی که پول فراهم شد درست خواهد شد وزارت بهداری سال گذشته شرحی بدانشکده پزشکی و بدانشگاه نوشته است واز مجلس هم به دفعات عدیده نوشته شده است ما همین جواب را داده ایم سال گذشته دانشکده پزشکی اعتباری در حدود پانصد هزار تومان برای اینکار در خواست کرده است ولی متأسفانه تا کنون فراهم نشده است این مبلغ را اگر بدهند ممکن است دانشکده پزشکی تالار تشریح را وسیع‌تر بکند میکروسکوب وسایر ادوات آزمایشگاهی را فراهم بکند عوض صد نفر دویست نفر قبول بکند و ضمناً چون این سئوال راهم در چندجلسه پیش آقای دکتر معظمی فرمودند بنده همین جواب راخواهم داد در درجه اول پول است مثالی از قدیم هست که میگویند بی مایه خمیر فطیر است تا پول نباشد هیچ کاری نمیشود کرد .

نایب رئیس ـ آقای دکتر معاون .

دکتر معاون ـ در جواب آقای نراقی بنده میخواستم عرض بکنم که دانشکده پزشکی یك دانشکدهٔ معمولی نیست که با افزودن چند نیمکت بشود چهل تا شاگرد را قبول کرد وسیله میخواهد یعنی شاگردی که وارد دانشکده پزشکی میشود باید اول ببرود بسالن تشریح سالن تشریح چیزی نیست که با چهار تا نیمکت آقای نراقی بشود آنرا درست کرد پول میخواهد درچند وقت قبل عده‌ای از آقایان نمایندگان محترم آمدند بدانشکده پزشکی ودانشکده نواقص خودشان را به آقایان ارائه دادند وتقاضای یك اختیارات کردند این اختیارات را اگر بآنها بدهند ودرضمن هم موظفشان بکنند که حسن اداره بشود برای اینکه دانشکده پزشکی آنطور که شاید وباید نیست و این را بنده بعرض آقایان خواهم رسانید اول دفعه جایش را باید درست کنند بعد هم بودجه بهش بدهند حسن اداره بشود البته بجای صد شاگرد دویست تا بجای دویست تا چهارصد تا قبول کنند برای مملکت مفید است اما اول باید وسایل درست بشود وسایل آن هم اول پول است وزارت بهداری هم اگر اجازه بهش بدهند تا اعتبار بآنها ندهند نمیشود کاری کرد وزارت فرهنگ هم امسال ثانیاً این درخواست را کرده است چند نفر هم آورده است نشان داده است ومنتظر است که کمیسیون بودجه این بودجه را تصویب کند آنوقت عوض صد نفر دویست نفر قبول میکنند فرمودید که درهیچ جای دنیا این سابقه نیست که برای دانشکده پزشکی مسابقه بگذارند این برای این است که در آنجا جا دارند وسایل دارند اما اینجا چون جا ندارند و نمیخواهند که دکان رنگرزی درست بکنند ومیخواهند یك طبیب حسابی از آنجا بیرون بیاورند البته آن عدهٔ که بتوانند تربیت کنند قبول میکنند .

نایب رئیس ـ آقای نراقی .

نراقی ـ هم آقای وحید کفیل محترم وزارت فرهنگ وهم آقای دکتر معاون تصدیق کردند که لازم است بعده پزشکان افزوده شود ضمنا هم متعذر شدند که ما بودجه کافی نداریم بنده عرض میکنم که یك مطلب ضروری و حیاتی که موزد تصدیق دولت ومجلس است چرا وسایلش را تهیه نمیکنند وسایل ایجاد یك کلاس اول را که در دانشکده پزشکی درست بشود خیلی لازم تر است از یك مریضخانه

چهارطبقه با چندین میلیون تومان این را باید مقدم داشت باید سال اول را امسال درست بکنند امسال سالن تشریح نمیخواهد فقط مقداری عملیات مقدماتی لازم داردسال‌اواش را امسال شروع بکنند تاسال دوم وسومش انشاءالله جنگ تمام میشود وسایل لازم تهیه میشود .

مخبر ـ فرمایشات آقای نراقی صحیح است ولی دراین ماده واحده موضوع ندارد وبنده نمیتوانم قبول کنم موضوع مربوط بوزارت فرهنگ‌است وبایددربودجه وزارت‌فرهنگ این‌پیشنهاد راجع بدانشکده پزشکی‌وتوسعهٔ آنرا تأمین‌نمود

نایب رئیس ـ عده برای‌رأی کافی‌نیست . پیشنهاد آقای شریعت‌زاده :

تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم که بمادهٔ واحده افزوده شود .

تبصره ـ وزارت بهداری‌مکلف‌است کلیه گزارشات رسمی واعلانات اشخاص را دائر بفروش داروهای دولتی در بازار آزاد بدادسرا ودیوان‌کیفر کارکنان دولت ارسال دارد تا در حدود قانون مورد تعقیب واقع گردد .

نایب رئیس ـ آقای شریعت زاده .

شریعت‌زاده ـ متأسفانه در مملکت ما بسیاری از معانی ومفاهیم که بعد ازبیان آن باید جامعه نسبت به آن متوجه بشودمبتذل شده است از آن جمله گاهی ازاوقات بلکه‌همیشه در قسمت‌های راجع به‌بهداشت ملت ایران ماشوخی‌میکنیم وتصورمیکنیم که این‌یکی از آن مسائل عادی است که‌نباید راجع باین موضوع و در این راه مجلس ودولت و ملت‌ایران فداکاری بکنند چنانکه جریان امور در مؤسسات و ادارات‌هم نشان میدهد که باین موضوع مهم اعتنائی که شایسته است نمیشود حالا در جاهای دیگر و بسیاری از مطالب عادی است ، وقتی که گفته میشود افراد یك ملتی باید درسایه بکاربردن وسایل مؤثر بهداشت از حیث جسم و از حیث فکر بطرف ترقی برود این یك مسئله عادی است ولی ما باید این موضوع را بقدری مهم تلقی کنیم که از هیچ نقطهٔ نظری راجع باین موضوع خود داری نکنیم بنده میخواستم عرض کنم که بسیاری ازنقاط مملکت ما را امراض مختلف تهدید میکند و قرائن موجوده نشان میدهد که نسل ما در آن نقاط درمعرض تهدید است (صحیح‌است) این مطلب مثل اینکه شوخی است درصورتیکه این‌یکی از آن خطرهائی است که ملت ایران باید با سلاح تقوی وفداکاری در مقابل این خطر مبارزه کنند الآن ملاحظه بفرمائید در سواحل بحر خزر مالاریا مثل برگ افرادی را که باید در سایه کار بتمام جهات به ترقی مملکت کمك کنندمیریزد ، نیروی کارندارند قدرت فکر ندارند درتولید ثروت‌هم هیچ اثری از آنهانیست بسیاری از نقاط مملکت ما نزدیك است به گورستان تبدیل بشوددربسیاری ازسواحل خلیج‌فارس مرض تراخم بدرجه‌ای شدید است که بینائی را دارد از بین میبرد ما با این مطالب شوخی میکنیم (فداکار ـ آبله راهم بفرمائید) حالامقصودم ازبیان‌این مطالب این‌است که نه‌تنها دولت باید درتشکیلات درکارهادقت بکند بلکه‌جرائمی که راجع‌به بهداشت‌عمومی ارتکاب میشود باید در تعقیب آنها مراعات لازم را نموده و شدیدترین مبارزه را بکند . بنده دلایلی دارم که درسواحل بحرخزر از قبیل رشت و در قسمت‌های جنوب داروهائی که در روی آن مارك صحیه است یعنی ph این را بجای‌اینکه رایگان بمرضی بدهند یا بقیمت‌ارزان بفروشند دربازارسیاه بقیمتی که برای بسیاری از اهالی این مملکت بلکه طبقه متوسط‌هم مقدور نیست بخرند میفروشند ، یکی از دوستان بنده میگفت حتی دربغداد دواهائی که علامت‌صحیهٔ کشور شاهنشاهی راداشته است درمغازه ودواخانه‌ها بوده است که ایشان دیده‌اند حالا یك گزارشی اینجا دارم یك نامه ایست که یك شرکت ایرانی موسوم بشرکت حریری فرنگ به بنکاه کل داروئی ونامه دیگری بدکتر میلسپو نوشته‌است یکی از مؤسسات داروسازی انگلستان باکلی پست مقداری دوا فرستاده است بایران برای شرکت حریری و فرنگ و باو مجانی داده است که بارزانترین قیمت در دسترس‌اشخاصی که احتیاج دارند بگذارد جناب آقای وزیر بهداری توجه بفرمائید ورود این دواها مصادف شده است با نظامنامه‌هائی

که دکتر میلسپو نوشته است برای این دواها واین‌شرکت هرقدر کوشش کرد که‌در تحت نظارت خودشرکت این‌دواها دردسترس مردم گذاشته شود موافقت نکردند گفتندبایستی به‌بنگاه کل داروئی تحویل بدهید همین کارشده ، این‌شرکت منتظر بود از وعده‌ای که باو داده‌اند برای اینکه این دواها دردسترس مردم گذاشته شود خبری نیافت تا برخوردباینکه یکی از این داروهائی که مارك این مؤسسه را داشت گویا قرص داژنان بوده است دربازارسیاه تا یکی سی ریال فروش رفته‌است‌درصورتیکه خودشرکت‌دستور داده که یکریال و پنجاه دینار یا دوریال فروخته شود این نامه‌ایست که‌نوشته است این شرکت ایرانی به بنگاه کل داروئی و در ذیل آن تصریح کرده که ما تعجب میکنیم بجای اینکه این دواها در دسترس مردم گذاشته شود الآن همین قرص داژنان و بعضی ازدواهای دیگر دربازار سیاه فروخته میشود بنده این پیشنهاد را برای این تقدیم کردم که دولت بایستی ازتعقیب کسانی که بزهٔ آنها جنبه‌مستقیم بحیات ملت ایران‌وبسلامتی افراد است نباید هیچ نوع اغماض کرد باید با شدید ترین وجهی تعقیب بشوند ازاین جهت بنده این پیشنهاد را کردم واز مجلس شورای ملی درخواست میکنم که این پیشنهاد را تصویب کنند تا دولت مکلف باشد کلیه گزارش ها که‌راجع باین قبیل اعلانات رسیده است تمام پرونده هایش را تسلیم دادسرای‌دیوان کیفر عمال‌دولت بکنندتا آنهاخودشان‌مطالعه کنند واشخاص را که‌لازم است تعقیب کنند تعقیب‌بکنند .

مخبر ـ بااینکه آقای شریعت زاده درمجلس شورای‌ملی استدلال ومنطق خیلی‌محکمی‌دارند مطالبی دراینجا فرمودند راجع بیك شرکت‌ایرانی که ربطی باین پیشنهاد نداشت‌الان تبصره پیشنهادی‌ایشان داردعمل میشود یعنی‌وزارت بهداری اگر تخلفی‌از کسی ببیند به محاکم مربوطه مراجعه میکند این توضیح واضحات خواهد بود قبول این تبصره ، البته متخلف تعقیب ومجازات میشود این قاعده کلی‌است حالااگر یك عدهٔ زیادی از متخلفین میروند به محاکم بعد تعقیب نمیشوند یا تبرئه میشوند این عیب مجری قانون است عیب‌از قانون‌گزار نیست بنابراین بنده تصور میکنم لطف بکنند تبصره شان را پس بگیرندچون این‌مطلب تأمین شده‌است در قوانین مملکت ما که متخلف از هر قانونی تعقیب میشود و پرونده‌هم برایش درست میکنند و اورا تعقیب میکنند باین جهت این تبصره بعقیدهٔ بنده مورد ندارد

نایب رئیس ـ با این توضیحات پس میگیرید ؟

شریعت‌زاده ـ بنده‌اجازه میخواهم راجع بسوء تعبیری که در بیانات بنده کردند صحبت کنم

نایب رئیس ـ بفرمائید

شریعت‌زاده ـ توضیحاتی که من دادم مستقیماً مربوط به پیشنهاد نیست اینها یك مقدمه‌ای بود برای دلیل لزوم تصویب‌این پیشنهادچرا برای‌اینکه این گزارشات را اصولاً قوعدی‌است که بایدتعقیب بشود بنده این پیشنهاد را کردم که مطابق آن اصول مجبورباشند این گزارشات را تسلیم دادسرا بکنند و الا همانطور که تا بحال هیچکدام بجریان نیفتاده بعدهم بجریان نخواهد افتاد

نایب رئیس ـ عده برای رأی کافی نیست . پیشنهاد آقای ثقةالاسلامی قرائت میشود :

بنده پیشنهاد میکنم لایحه سازمان بهداری بخود مجلس آمده و در مجلس تصویب شود .

نایب رئیس ـ آقای ثقةالاسلامی

ثقةالاسلامی ـ چند روز قبل راجع به موضوع بودجه کل مملکتی که قرار بود به کمیسیون بودجه اختیارداده شود که آنها رسیدگی بکنند بعد بودجه را بیاورند بمجلس اینجا مذاکرات مفصلی شد که مقتضی است بودجه در خود مجلس مورد شور قرار گیرد دلایل زیادی هم اینجا گفته شد حالابنده نمیخواهم آن مطالب را تکرار کنم وبگویم‌مقتضی نیست که مجلس به کمیسیون بهداری اختیار بدهد که خود آنها یك سازمانی را تصویب کنند و اجازه اجرا بدهند اگر بعنوان آزمایش باشد گرچه بنده یا هیچکس با بهداشت مخالف نیست ولی بعقیدهٔ بنده بهتراست این موضوع در خود مجلس بیاید ومجلس صلاحیت آنرا دارد که لایحه سازمان آنرا

تصویب کند وقت هم هست . عرض کنم بر خلاف آنچه مردم تصور میکنند که در این بیست ساله مملکت وضعیاتش خوب شده وترقی کرده و تغییرات مهمی پیدا شده است بنده تصورمیکنم اینطورنیست ومملکت عقب‌تر رفته وبدتر شده‌است باآن بودجه های مشعشعی که همیشه داشتند و بلند میشدند میگفتند پانصد میلیون هزار میلیون است واقعاً ننگ آور نبود دریك مملکتی که چهارصد میلیون پانصد میلیون بودجه داشت برای پانزده میلیون جمعیت ۵ میلیون بودجه بهداری داشت واگر ۵ میلیون را حساب کنید به ۱۵ میلیون نفری سه‌قران درسال بودجه‌بهداری‌داشت‌وحالا آقایان‌میفرمایند که برخلاف اصل‌دموکراسی که کسی پیشنهاد خرج بکند ولی دولت باید در فکر خودش باشد که مملکتی که بهداری نداشته باشد افراد ندارد وقتیکه جمعیت نداشته باشد مالیات نمیتواند بگیرد ووقتیکه مالیات نمیتواند بگیرد ویك‌جمعیتی نباشد عرض اندام واظهار حیاتی نمیتواند بکند بنده‌مایین را عرض میکنم مملکتی که از بی دوائی مردمش در خیابانها و در کوچه ها مانده‌اند مریضخانه وحکیم ودارو ندارند بیائیم کاخ دارائی و دادگستری درست کنیم هر کدام ۷ میلیون ۱۲ میلیون خرج کنیم چه فایده‌دارد ؟ اگر بگویند پول نداریم چرا برای وزارتخانه هائیکه بنده اصلاً باموجودیت آنهامخالف هستم برای آنهاپول هست درصورتیکه این‌مملکت بسه چیز محتاج است. امنیت وفرهنگ وبهداری است‌وباید فکر این کارها را کرد اول‌امنیت‌است و بعد از آن‌بهداری و بعد از آن فرهنگ اینها بیکدیگر مرتبط هستند ووقتی که بهداری نیست اصلاً مملکت‌نیست ووقتیکه بهداری‌نیست امنیت نیست. مملکت نیست فرهنگ نیست‌هیچ چیز نیست ما آمده ایم (آقایان هیئت‌وزراء وآقای رئیس‌الوزرا که تشریف ندارند) ومثل سابق پانصدهزار تومان گذاشتیم‌برای بهداری‌امروز اگر بودجه مملکتی چهار صدمیلیون باشداین راهرقدربرای وزارت بهداری‌زیادترخرج کنیم بصلاح‌مملکت است فایده دارد نه اینکه آقایان خیال بکنند که تمام این مملکت همین شهر طهران است و همین آبهای کثیف است که در اطراف تهران جاری است و باید آنرا اصلاح کرد خیر باید بهداشت همه مملکت را توجه کرد واصلاح کرد ومسئول آن هم دولت و مجلس هستند والاّ آن نتیجه بهداری ما این آبهای کثیف است چندین میلیون تومان خرج شده وآبها را نتوانسته‌اند درست بکنند و بااینکه نسبت بشخص آقای دکترلقمان‌الملك وزیر بهداری همه اعتماد داریم و خیلی‌در کار بهداری‌جدی‌هستند عجالةً ازاین پیشنهاد ....

نایب رئیس ـ دراطراف‌پیشنهادتان صحبت بفرمائید آقا

ثقةالاسلامی ـ مقصود بنده این است که عرض میکنم که‌سازمان بهداری‌بیاید و درمجلس مطرح شود مجلس‌تصویب بکند که لایحه قانونی سازمان بهداری بخود مجلس بیاید و در خود مجلس مطرح شود .

نایب رئیس ـ آقای مخبر نظر جنابعالی چیست ؟

مخبر (دکتر کشاورز) ـ آقای ثقة اسلامی بقدری در اطراف این موضوع زیاد توضیح دادند که اگر بخواهیم در اطراف همه آنها توضیح بدهیم وقت زیادی لازم دارد و بنده تصور میکنم که‌همان کمیسیون‌بهداری‌صلاحیت آنرا دارد (صحیح است) این آئین نامه است و برای آزمایش است اجازه بفرمائید در همان کمیسیون بهداری حلاجی شود بعد بیاید به مجلس وبنده خیال میکنم عجالتاً اینطور بهتر است تا اینکه به مجلس بیاید و ۳۲ ماده که آئین نامه سازمان بهداری دارد وزیاد هم وقت مجلس را بگیرد (ثقةالاسلامی مسترد کردم) .

نایب رئیس ـ چون عده برای رأی کافی شد باید رأی بگیریم آقایانیکه با پیشنهاد آقای دکتر آقایان بشرحی که بعرض مجلس رسیده است (چون نیمساعت قبل قرائت شده) وعده برای رأی کافی نبودن موافقند . . .

جمعی از نمایندگان ـ دوباره قرائت شود.

(به‌شرح سابق قرائت شد)

نایب‌رئیس ـ آقایانیکه موافقند قیام نمایند (عده زیادی برخاستند) تصویب شد پیشنهاد آقای نراقی راجع بدانشکده پزشکی قرائت میشود .

(بترتیب سابق قرائت شد)

مخبر ـ باتوضیحی که دراینجاداده‌شد بنده خیال‌میکنم که هم وزارت‌فرهنگ وهم‌وزارت‌بهداری وهم مجلس‌موافقت کردند که راجع بتأمین این موضوع در کمیسیون بودجه در نظر بگیرند و ترتیبی بدهند که بتوانند شاگرد بیشتری بپذیرند .

نایب رئیس ـ چون میگویند نظر آقا تأمین است مسترد میفرمائید ؟

نراقی ـ چون توضیح فرمودند وقبول فرمودند بنده مسکوت میگذارم .

نایب رئیس ـ به پیشنهاد آقای شریعت زاده باید رأی بگیریم ،

جمعی ازنمایندگان ـ دومرتبه قرائت شود .

(به شرح سابق خوانده شد)

نایب رئیس ـ آقایانی که با پیشنهاد آقای شریعت‌زاده موافقند قیام فرمایند (عده کمی برخاستند) تصویب نشد .

پیشنهاد آقای فرمانفرمائیان قرائت میشود : وزارت‌بهداری مکلف است حقوق وهزینه های بهداری‌را درحدود اعتبارات ومساوی درتمام کشورمطابق سازمان‌مخصوصی بارعایت‌تعداد نفوس هرمحل اقدام نماید .

نایب رئیس ـ آقای فرمانفرمائیان .

فرمانفرمائیان ـ بنده این پیشنهادی را که‌کردم شبیه است با آن پیشنهادی‌که آقای‌رفیعی کرده‌اند وبنده‌خواستم متذکر بشوم که‌آقا این نگرانی که در اکثر نمایندگان ولایات موجود است این نگرانی مرتفع نمیشود باین حرفها بعلت این که در ولایات وحالا که بنده این حرفها را میزنم مربوط بدورهٔ تصدی آقای لقمان‌الملك نیست بجهت اینکه وزارت بهداری‌چنانکه گفته شد ۲۴ سال‌است‌تأسیس‌شده‌است وکاش تأسیس نشده بود هیچ اثری نداشته‌است وکاری نکرده است فقط یك رقمی ببودجه اضافه شده است در صورتی که یك اداره صحیه که سابق بوده است همین کار را میکرده‌است وحالا منتها یك‌بودجه صرف میشود وآن را غرما میکنند تازه این‌هم کافی نخواهد بود وبرای این مملکت وسیع واقعاً اسباب سرشکستگی وخجلت نمایندگان ولایات است با توقع وتقاضاهای بجا وبموردیکه مردم دارند و بامذاکراتی که ما اینجامیکنیم باید توجه عاجلی‌نسبت ببهداری‌ولایات بشود یکی از آقایان میفرمایند که تأمل کنید که لوله کشی های آب تهران تمام شود بعد خود بخود اینکار ها درست میشودیکی دیگرمیگوید که بایدقرنطینه گذاشت‌درسرحد افغانستان که طاعون وغیره سرایت نکند این‌ارتباط باصحیه ارسباران وبهداشت اهالی آنجا یاجای دیگر ندارد ودراین موضوع همه مردم‌شریك هستند وباندازه پولشان بایدبهشان خدمت کرد وخرج‌کرد این خلاصه مطلب است بنده این‌را تذکر میدهم چون آقای مخبر و وزیر هم قبول کردند آن پیشنهاد را که ازطرف‌آقای رفیعی‌شده‌بود خواستم پیشنهاد بکنم وتذکر بدهم‌که کاملاً دقیق باشند آقای دکتر لقمان الملك که سهم ولایات سهم کوچکی وناچیزی نباشد .

نایب رئیس ـ پس آقا موافقت دارند که بپیشنهاد رأی گرفته شود ؟.

فرمانفرمائیان ـ بنده مسترد میکنم چون منظورم در پیشنهاد آقای رفیعی تأمین شد .

نایب رئیس ـ پیشنهاد آقای‌دکترطاهری بعرض‌مجلس میرسد:

پیشنهاد میشود درتبصره ۲ اضافه شود بطریق بازرگانی وبا نظر هیئت مدیره اداره شود .

دکترطاهری ـ این پیشنهاد را درجلسهٔ گذشته بنده کرده بودم بعد خود دولت موافق بود با این وظاهراً‌هم قبول کرد بدین جهت دیگر موضوع ندارد .

مخبر ـ بلی قبول شد.

نایب رئیس ـ پیشنهاد آقای امینی بعرض مجلس‌میرسد

بنده پیشنهاد میکنم تبصره ۲ باین‌طریق اصلاح شود . بنگاه کل داروئی باتمام دارائی وسازمان واماکن دولتی‌که دراختیار دارد منضم بوزارت بهداری شده وبطور بازرگانی تحت نظر آن وزارتخانه اداره شود .

امینی ـ بنده خیلی متأسفم که خیلی دیر شده است و میترسم که آقای دکترلقمان‌الملك مثل‌جلسه قبل اوقاتشان

تلخ بشود وبه بنده بتازند ولی اصولاً دریك قسمت چون این را واقعاً درست تشخیص ندادم که اصلاً اینجا تبصره ۲ را چرا بماده واحده اضافه کردند چون قانون مصوب ۱۸ اسفند ۱۳۲۱ اصلا اینحق رابوزارت بهداری داده‌است که بنگاه داروئی را ایجاد بکند باسرمایه معینی وباطرز معینی بطریق بازرگانی و این رابنده نمیدانم روی چه جریانی رفته‌است بوزارت دارائی بنده تصور میکنم بعد از تصویب آن قانون اردیبهشت ۱۳۱۹ چون وسائل کاربرای وزارت دارائی فراهم تر وبهتر بود برای تهیه ارز و برای کماندهای خارجی چون یك اداره کل معاملات خارجی داشت برای خرید دارو باین جهت وزارت بهداری موافقت کرده که این قسمت بوزارت دارائی منتقل شود یك قسمت بنده بخاطردارم که یك وقتی میخواستیم داروکماند بدهیم صورتش را از وزارت بهداری خواستیم که صورت جامعی بوزارت دارائی بدهند و این داروها را ما کماند میدادیم بعد این دارو منتقل بوزارت بهداری میگشت کما اینکه در کابینهٔ آقای سهیلی در کابینهٔ دوم یا اول بود آقای حکمت وزیر بهداری بود و بعداز آن آقای کاظمی آمدند و بنده خودم تمام این داروها را تحویل ایشان دادم در وزارت بهداری البته این داروها وقتی که تحویل وزارت بهداری شد برای اینکه ما درحدود مصرف سه چهار سال آسپرین و کنین رادر کشورداشتیم ودراستوك مابود که تحویل دادیم ولی وقتی تحت نظر وزارت بهداری درآمد بنده نمیدانم چطورشد البته این مربوط بآقای لقمان الملك نیست و مربوط به بعضی از آقایان است که نمی خواهم اسم ببرم (فداکار اسم ببرید شهامت داشته باشید) اجازه بفرمائید خودتان میدانید عرض کنم تبصره ۲ بعقیده بنده این طوریکه تنظیم شده ناقص است اگر عطف بآن قانون میکردند اصلا احتیاج باین تبصره نداشت ولی مینویسد: که بنگاه کل داروئی کشور با امکنه فعلی آن که دراختیار بنگاه داروئی است منضم وزارت بهداری شده و درتحت نظر مستقیم و کامل وزارت بهداری اداره خواهدشد عرض کنم آنهائیکه دراختیاربنگاه کل داروئی است اینجا باید آن دارائی آن را اسم ببرید برای اینکه اگر بگوئید دارائی کل بنگاه داروئی معلوم نیست که چیست ودارائیش را بایداسم بردسازمان وبودجه‌اش ویااماکن دولتی که در اختیار داردنه‌امکنهٔ که ازدیگران اجاره کرده باشند واینها را نمیشود گفت بر گردد به وزارت بهداری مقصودمان اماکن دولتی است که دراختیار بنگاه داروئی است منتقل بشود تمام دارائی وسازمان اماکن دولتی که‌دراختیاردارد منضم بوزارت بهداری بشودواین قسمت اماکن دولتی باید اضافه شود که اماکن استیجاری را شامل نشود

نایب رئیس ـ آقای دکتر قبول فرمودید ؟

مخبر ـ بلی

نایب رئیس ـ پیشنهادی از آقای دکتر عبده رسیده بعرض مجلس میرسد :

بنده پیشنهاد میکنم بتبصره ۲ اضافه شود وزارت بهداری بطریق بازرگانی بطوریکه درقانون مصوب ۱۸ اسفند ۱۳۲۱ معلوم شده است بنگاه داروئی را اداره خواهد کرد .

دکتر عبده ـ بنده دو پیشنهاد داشتم یکی تأمین شد و یکی دیگر را هم اجازه بفرمائید قرائت بفرمایند .

نایب رئیس ـ پیشنهادات در موقع خودش قرائت خواهد شد .

دکتر عبده ـ بلی یکی تأمین شد ویکی دیگر مانده‌است

نایب رئیس ـ آن هم بعد در موقع خودش قرائت میشود

پیشنهاد آقای فیروز آبادی بعرض مجلس میرسد :

پیشنهاد میکنم که اختیار تام بآقای دکتر لقمان الملك نظر به اطمینان و سابقه عملی ایشان داده شود که ایشان با اطمینان بتوانند سازمان وزارت بهداری را اصلاح نمایند

نایب رئیس ـ آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی ـ بنده عقیده دارم که در این مملکت هر کسی برای ترقی مملکت خوب کار کرد باید ما با او همراهی کنیم (صحیح است) بنده عقیده‌ام این است که هر کس بطور درستی و صحت و دلسوزی بخواهد برای مملکت کار کند بااو همراهی کنیم نظرم نسبت بآقای دکتر لقمان الملك برای این است که ایشان میخواهند کار کنند و چون ایشان

میخواهند برای مملکت کار کنند بنده عقیده‌ام این است که با ایشان همراهی بکنیم و اختیارتام بایشان بدهیم که ایشان بتوانند کار بکنند از این جهت بنده این پیشنهاد را کردم و یك پیشنهاد دیگری را هم کردم که باز هم بایشان یك اختیاری داده شود درشأن سازمان خود بهداری چون سازمانها در وزارتخانه ها بیش از حد احتیاجش شده است در وزارت مالیه می بینید چند هزارنفر جمع شده است که قطع دارم در وزارت مالیه انگلستان این قدر اجزاء ندارد و یا در وزارت مالیه واشنگتن هم این قدر ندارد این همه جمع شده‌اند آنجا برای چه در فروشگاه ۸۰۰ نفر جمع شده است آنجا کاری هم آن جا نمی کنند اما هر کدام از اینهارا اگر بخواهیم درصورت احتیاج نداشتن خارج کنیم هزار مصائب و داد وفریاد بلند است که مارا ازنان انداختند وچه کردند . یك قدری وزارتخانه ها باید اعضاء را کم کنند مثلاً در وزارت بهداری باید تشکیلات آن را کم کنیم و آنهائیکه در وزارت بهداری جمع شده اند بگویند اینها بروند در ولایات طبابت کنند آخر این جا جمع شده اند چه میکنند در ۸ ـ ۷ سال قبل بنده دیدم سه نفر و مدیر و رئیس اداره بهداری را اداره میکردند باسم اداره صحیّه آنوقت اینقدر توسعه نداشت اما آنوقت سه نفر رئیس با هشت نه نفر اطباء بودند و خوب اداره میشد حالا ازبس که اجزاء زیاد شده است نه اینکه آقای دکتر لقمان الملك نمیتواند آن را اداره کند بلکه هیچکس دیگرهم نخواهد توانست آن را اداره کند . آنها را بیرون کنند بفرستید در شهر ها طبابت مردم را بکنند تهران جای خوبی است شمیران هم خیلی خوب است خیابان لاله زارهم تفریحگاه خوبی‌است اما تا کی نمیخواهند زحمت بکشند ؟ مردم پول نمیدهند که ما بیائیم واینجا خرج کنیم البته باید دروزارت بهداری دکتر هائیکه هستند ازاینجا خارج کنند بفرستند بولایات و درد مردم را معالجه کنند .

مخبر ـ وزیر مطابق قوانین مصوبه مملکت دارای اختیاراتی است که آن اختیارات را قانون اساسی برایش معین کرده است و نمیشود بنظر بنده ما فوق آنچه را که وزارت باو میدهد برایش اختیاراتی قائل شد بنابر این پیشنهاد آقای فیروز آبادی در قسمت تفویض اختیارات اضافی بر وزارت به آقای دکتر لقمان الملك صحیح نیست وایشان هم چنین تقاضا ونظری ندارند اما درقسمت پیشنهاد دیگرشان گرچه قرائت نشده ولی بنده جوابش را عرض میکنم که پس بگیرند راجع باینکه در سازمان وزارت بهداری سعی کردند که اشخاص پشت میز نشین کم شوند این را هم البته کمیسیون در نظر خواهد گرفت و در لایحه سازمان در نظر میگیریم .

نایب رئیس ـ آقای فیروز آبادی چه میفرمائید ؟

فیروز آبادی ـ عرض میکنم که اگر قبول کردند کردند و اگر نکردند مسترد میکنم .

نایب رئیس ـ پیشنهاد آقای فولادوند بعرض مجلس میرسد :

پیشنهاد میکنم وزارت بهداری درتقسیم دارو وتشکیلات بهداری تجدید نظر نموده و در محلهائیکه بواسطه جهاتی تاکنون از طبیب و دوا محروم بوده اند مثل بروجرد و جاپلق و بربرود عطف توجه بفرمایند .

نایب رئیس ـ آقا نظر شما تأمین شده است .

فولادوند ـ پس بنده عرضی ندارم .

نایب رئیس ـ دو پیشنهاد از طرف آقای مجد ضیائی رسیده است که قرائت میشود :

تبصره ـ بنگاه کل داروئی کشور با امکنه فعلی آن که دراختیار بنگاه کل داروئی بوده‌است منضم بوزارت بهداری شده و تحت نظر او و مطابق اصول بازرگانی وتشکیل هیئت مدیره از طرف وزارت بهداری اداره خواهد شد آئین نامه هیئت مدیره واجرای آنرا وزارت بهداری تهیه خواهد کرد .

نایب رئیس ـ تقریباً این تأمین شده است .

مجد ضیائی ـ تقریباً تأمین شده است و بنده خواستم در نظر آقای وزیر بهداری باشد و این پیشنهاد را بنده مدتی است که کرده‌ام حالا بسته بنظر ایشان است .

مخبر ـ نظر ایشان تأمین شده است .

مجد ضیائی ـ مسترد میکنم .

نایب رئیس ـ پیشنهاد دیگری از طرف آقای فیروز آبادی رسیده است قرائت میشود :

مخبر ـ آنرا هم توضیح دادند ومسترد کردند .

نایب رئیس ـ مسترد فرمودید آقا ؟

فیروز آبادی ـ بلی مسترد کردم .

نایب رئیس ـ پیشنهاد آقای صدر قاضی بعرض مجلس میرسد :

بنده پیشنهاد میکنم درسازمان وزارت بهداری نسبت به مؤسسات ومریضخانه‌هائی که ازپول اعانه و کمك های اهالی محل تا کنون اداره شده وفعلاً درشرف منحل شدن میباشند و از حیث بودجه درمضیقه میباشند توجه شود که ازانحلال آنها جلوگیری شود .

صدر قاضی ـ شهرستان مهاباد خیلی ازمرکز دورواقع شده است بواسطه دوری ازمرکز وزارت بهداری توجهی به سازمان بهداری آنجا نفرموده اند و حالا تشکیلات وزارت بهداری در مهاباد یك نفر طبیب و یك نفر معین پزشك است که یکسال ونیم است آنجا خدمت میکند وهنوزابلاغ حقوق آنها صادرنشده استو فرستاده‌نشده است و بنده‌بآقای وزیر بهداری عرض کردم و دستور هم صادر کردند متأسفانه هنوز نرسیده است وتمام تشکیلات بهداری یك جمعیت ۲۰۰ هزارنفری که دورازمرکزواقع‌شده است عبارت ازهمین‌است یك پزشك ویك معین پزشك خوداهالی‌خیر مهاباد در۱۳۰۹با پول‌اعانه خودشان درآنجایك مریضخانه ساخته‌اند وازطرف شیروخورشید از محل عوارضی که خود اهالی میپرداختند اداره میشد و البته این عوارض هم باندازه نیست که خود شیروخورشید بتواند وصول کند واضافاتی هم‌داشته باشد که بمریضخانه بدهدتا کنون‌یعنی‌تاموقعیکه‌مالیات‌صدی سه را اداره مالیه وصول‌می کرد از رئیس مالیه خواهش شده بود که این عوائد جزئی را هم ضمن عوارض صدی سه وصول نمایند که بمصرف مریضخانه آنجا برسدالبته حالا که‌دیگر که‌آن عوارض صدی‌سه‌هم از بین‌رفته‌وملغی شده‌ومامورین صدی‌سه‌دیگر دم دروازه‌هانیستندوشیروخورشید هم‌نمیتواند آن را وصول کند ومورداستفاده قرار دهد چیزی هم نیست بنا بر این مریضخانه‌ای را که اهالی با خون خودشان‌ساخته اند و اثاثیه هم تهیه کرده اند در شرف انحلال است . در مهاباد هم متأسفانه امراض گوناگون خیلی زیاد است که پارسال یکنفرمتخصص خارجی آمده‌بودآن‌جا واوعقیده‌اش این بود که اهالی‌مهابادصدی نودوپنج مبتلا به‌مالاریاهستند واین منطقه فعلاً فاقد طبیب ومریضخانه است . بنابراین بنده استدعا میکنم از شخص آقای وزیر بهداری که این را یك توجهی بفرمایند که این‌مریضخانه مهاباد که با این‌زحماتیکه تأسیس شده است از بین نرود و تصدیق بفرمایند که یك نفر طبیب برای یك شهرستان باین بزرگی خیلی کم است . توجهی بفرمائید دربخشهای مهاباد هم به هر بخشی یك نفر طبیب بفرستند ووضعیت شهر مهابادطوری است که هیچیك از اطباء آنجا نمیرفتند زیرا آنجاسینماندارد که ازسینماها وتآترها استفاده بکنند و آنجا تشریف نمیآورند متأسفانه این است وضعیت آنجا و وزارت بهداری خوب است که‌یك توجه بیشتری بنماید . بنابراین بنده این پیشنهاد راکردم .

مخبر ـ فرمایشات آقای صدر قاضی راسعی میکنم که که تأمین بشود ولی یك قسمت از این مربوط به کمیسیون بودجه است برای اینکه بودجه وزارت بهداری برای‌اهالی که الآن درخواست و شکایت میکنند بیش از این نیست و بایستی که کمیسیون بودجه موافقت بکند که در بودجه وزارت بهداری یك خورده‌ای اضافه منظور نماید پس‌ازآن ممکن خواهد شد که فرمایشات آقای صدرقاضی چه راجع بدوا و چه راجع به طبیب بمورد عمل گذاشته بشود .

نایب رئیس ـ آقای‌صدر مسترد میفرمائید ؟

صدر قاضی ـ حالا که ایشان وعده فرمودند بنده مسترد مینمایم .

نایب‌رئیس ـ پیشنهادآقای کاظمی بعرض مجلس شورای ملی میرسد :

پیشنهاد میکنم کلیه اطباء حاضر در کشور مکلف‌هستند که لااقل برای مدت یکسال به تعیین وزارت بهداری در هر نقطه ای که وزارتخانه معین می نماید به طبابت اشتغال ورزند

و در آینده نیز کسی نمیتواند اجازه طبابت در ایران داشته باشد مگر اینکه تصدیق وزارت بهداری راجع باینکه‌لااقل دو سال دریك نقطهٔ که وزارت معزی‌الیها تعیین کرده است طبابت‌کرده باشد .

نایب‌رئیس ـ آقای کاظمی

کاظمی ـ با اینکه میدانم آقایان خسته اند و روی بهداری‌هم خیلی‌صحبت شده‌است ولی‌مطلب بقدری مهم‌است که بنده مجبور شدم پیشنهادی بکنم . عرض کنم بزرگترین اشکالی که درامربهداشت مملکت‌است این‌است که اطباء درشهر تهران بیشتر مایل هستند که بمانند واکثر نقاط دیگر از داشتن طبیب محرومند و این مورد تصدیق همه است و از طرفی‌هم همان دلیلی که آقای دکتر کشاورز فرمودند یك دلیل قابل توجهی است زیرا که ما طبیب را بطور شایسته یعنی‌وسائل‌استرضای خاطرشان را فراهم‌نمیکنیم که‌بتوانیم آنها رابفرستیم . این است که بنده پیشنهاد کردم که‌وزارت بهداری کلیه اطبائی که حالا هستند مجبور کند که وقتی میتوانند اجازه طبابت را داشته باشند که یکسال بهر جائی که وزارت بهداری تعیین کند بروند طبابت کنند وهر کسی که بخواهد بعدها شروع بکار طبابت بکند . . .

امینی ـ این کار قانون دارد

کاظمی ـ ... اگر قانون دارد (چون بنده توجهی نداشتم که قانون دارد) که توجهی باین قانون ندارند و خیلی خوشوقتم که توجه بکنند باین قسمت و اگر آن قسمت دیگر هم قانون دارد (بنده توجه نداشتم) اگر قانونی هست بهمین معنی و مفهومی که بنده عرض میکنم یعنی کسانی میتوانند اجازه طبابت داشته باشند که لااقل یك سال به تکلیف وزارت بهداری بهر نقطه که وزارت بهداری تعیین بکند هر جا باشد بروند طبابت کنند که‌آن راهم توجه کنند واجرا کنند چون اطباء ما باید درهمه مملکت تقسیم بشوند و این محل بحث نیست . اگر آن قسمت قانون دارد که بنده مسترد میکنم ولی‌این قسمت‌را بنده مخصوصاً خواهش میکنم و اصرار دارم که اطباء حاضر مکلف باشند که لااقل مدت یکسال در هر نقطهٔ که وزارت بهداری معین میکند مشغول باشند .

مخبر ـ بنده جواب آقای کاظمی را قبلاً دادم و زیاد اضافه نمیکنم این عمل‌اولاً بعقیده بنده بااصول مخالفت دارد یعنی یك کسی را مجبور کردن باینکه برای انجام وظیفه و شغلش یعنی طبابت که یك شغل آزادی است مدت یکسال برود در یك نقطه‌ای که دولت تعیین میکند بسر ببرد این عمل درحقیقت شباهت به تبعید دارد . ازطرف مجلس‌شورای ملی هم این‌عمل صحیح نیست ومخصوصاً در قانون استخدام پزشکان این مطلب در نظر گرفته شده نه یکسال بلکه دوسال هرطبیبی که خدمت وزارت بهداری را قبول میکند باید مدت دوسال درنقطه خارج از تهران که وزارت بهداری تعیین میکند انجام خدمت کرده‌باشد وبعد از دوسال وزارت بهداری میتواند او را بیاورد اینجا . تا این اندازه‌اش این پیشنهادآقای کاظمی قابل‌اجرا بوده و عمل شده بنابراین‌این قضیه تصویب شده . اما این مطلب که هرطبیبی برای اینکه اجازه طبابت در مملکت‌داشته باشد موظف است یکسال در محلی که‌وزارت‌بهداری تعیین‌میکندسکنی بکنداین بعقیده بنده بهیچوجه‌قابل‌قبول‌نیست گذشته‌ازعلل‌قانونی که‌مخالف قانون اساسی‌است علل دیگر هم دارد ازقبیل‌آسایش وتأمین زندگانی طبیب‌است که خودآقای کاظمی هم فرمودند یعنی تأمین آتیه‌اش و اینجایك نکته‌ای بنظرم آمدکه لازم میدانم به آقایان عرض کنم وخواهش میکنم‌آقایان توجه بفرمایند وچندین مرتبه هم درمجلس‌گفته شده‌است یکی‌ازدکترهای بسیار زحمت کش و درست و با ایمان مملکت‌ما مرحوم دکتر حامدی بود که بهیچوجه توجهی بعائله این شخص نشده است ومن اینجا شرم دارم بگویم که فامیلش عائله مرحوم دکتر حامدی را اداره میکنند و زندگی آنها را تأمین میکنند و در یك مملکتی که یك طبیب با ایمان و صحیح که جانش را هم بالای خدمت باین مملکت گذاشته و مرگش در نتیجه خدمت بوده است یك همچو طبیبی را تا بحال نه دولت و نه مجلس شورای ملی کوچکترین کمکی بهش نکرده است

امینی ـ درمجلس هم چند مرتبه تذکر داده شده است .

(صحیح است)

مخبر – آنوقت با این وضع آقای کاظمی میفرمایند که یك طبیبی بیاید برود درفلان نقطه باوبا و باطاعون یامالاریا و تیفوس روبرو بشود و جانش را هم اگر گذاشت روی آن بهش هیچ توجهی نشود این مطابق شأن مجلس نیست و بنده نمیتوانم قبول کنم

حکمت – اجازه میفرمائید ؟

نایب رئیس – آقای حکمت شما عضو کمیسیون هستید؟

(حکمت – بلی) پس بفرمائید

حکمت – اینجا یك قانونی گذشته است راجع به‌اطبائی که از بودجه کشور استفاده میکنند آنها موظف هستند که دو سال در خارج خدمت بکنند ولی این قسمت مربوط به اشخاصی نیست که آزادانه خدمت میکنند و این پیشنهادی که آقای کاظمی فرمودند مخالف با اصل ۱۴ متمم قانون اساسی است که هیچکس را نمیتوان مجبور باقامت در یك محلی کرد مگر بحکم قانون وقانون اساسی هم قابل تغییر نیست و نمیشود یك اشخاصیرا گفت که تو برو در فلان جا در بندر عباس طبابت کن بعلاوه اگر بخواهیم این کار را بکنیم این ممکن است که بطبقات دیگر هم برسد و بگویند که وکلای دادگستری هم بایستی بروند بجاهای دیگر همانطور که طبیب ها میروند و این البته ممکن نیست و بعقیده بنده مخالف قانون هم هست .

کاظمی – اجازه میفرمائید ؟

نایب رئیس – بفرمائید ولی آقای کاظمی بطور مختصر بفرمائید .

کاظمی – عرض کنم که خیلی چیز عجیبی است قانون اساسی صحیح است که آزادی برای همه کس داده اما در حدود آزادی دیگران ووضعیت کشور ودرحدود قانون خوب اگر این اصل راقبول میکنیم همانطور که آقای دکتر کشاورز و آقای حکمت فرمودند پس نظام وظیفه هم همینطور است و نما طبق قانون بالاخره یك کسی را از یك سن تا یك سن معینی دریك جای معینی درتحت یك اوامر معینی میفرستیم که خدمت بکند و بعلاوه هیچ حرفی نیست که طبابت یك شغل بسیار شریفی است وبرای مملکت بسیار نافع است وهنر آنها را باید بسر گذاشت وبچشم کشید ولی بالاخره باید این کار را کرد . خاطر دارم قبل ازجنگ در انگلستان مورد بحث بود که حتی طبیب اصلاً حقوق نگیرد یعنی دولت آنها را استخدام میکند برای صحیه مملکت وپول بدهد . موضوع بهداری مملکت یکی از مهمترین مسائل حیاتی کشور است این یك چیزی نیست که مثل سایر چیزها باشد . البته اگر وزارت بهداری طبیب میخواهد که باید تمام وسائلش را هم فراهم بکند واین البته تکلیف قانونی دارد عرض کنم بالاخره یك نفر طبیب آدمی است که این مقام را احراز کرده است که بتواند بملت خودش اقلاً برای مدت دوسال خدمت بکند اگر این قسمت عملی بشود بنده دیگر عرضی ندارم .

نایب رئیس – چون عده کافی نیست برای رأی پیشنهاد آقای هاشمی قرائت میشود :

پیشنهاد ختم جلسه را میکنم (خنده نمایندگان)

بعضی ازنمایندگان – آقا ما مخالفیم .

نایب رئیس – آقای هاشمی

هاشمی – عرض کنم (آقایان توجه بفرمایند) قرارشد که مجلس شورای ملی باید درساعت نه ونیم تشکیل بشودو اول ظهر (ساعت دوازده) هم تعطیل بشود آقایان ملاحظه حال دیگران راهم بکنند که بانوشتن سرو کار دارند مجلس هم اکثریت ندارد .

نایب رئیس – حالا که عده برای رأی کافی نیست پیشنهادی ازطرف آقای ملك مدنی رسیده است که بعرض مجلس میرسد :

تبصره زیررا پیشنهاد میکنم . در سازمان وزارت بهداری برای استانهای کشور دانشکده پزشکی درنظر بگیرند که تدریجاً موجبات توسعه دانشکده پزشکی فراهم بشود .

نایب رئیس – آقای ملك مدنی .

ملك مدنی – موضوع بهداری اگر در مجلس زیادطول کشید بنظر من بی‌جا نیست زیرا بهداشت کشور مورد نظر همه

نمایندگان است و این قانون سازمان بهداری هم چون در کمیسیون بهداری بتصویب میرسد هر یك از نمایندگان نظر خودشان را باید اینجا اظهار کنند که کمیسیون بهداری اگر بعضی ازپیشنهادات که درمجلس مورد توجه واقع میشود ومورد قبول واقع میشود کمیسیون درموقع خودش در آئین نامه این نظریات رارعایت کند . بنده این پیشنهادی را که دادم برای این بود که آقای نراقی پیشنهادی دادند راجع بدانشکده پزشکی و جوابی هم از طرف آقایان داده شد و اگرچه آقای وحید کفیل وزارت فرهنگ توضیح دادند ولی یك قسمت توضیحشان ناقص بود و اطلاع نداشتند که تا سال گذشته قریب ۱۵۰ نفر محصل به کمیسیون بودجه مراجعه کردند که ما میخواهیم بدانشکده پزشکی واردشویم و دانشکده مارا قبول نمیکند . در آن موقع دکتر سیاسی وزیر فرهنگ بودو ما دکتر سیاسی را خواستیم آمد آنجا و با او مذاکره کردیم (آقای دکتر معظمی هم در این مذاکرات تشریف داشتند) فرمودند که ما سالون تشریح نداریم و مقدمات کارمان فراهم نیست که بیش‌تر از صد نفر شاگرد قبول کنیم بایستی ما اول دانشکده را توسعه بدهیم پس از آنکه توسعه دادیم آنوقت البته قبول میکنیم . این بود که گفته شد برای سال آتیه در بودجه این نظر راتأمین میکنیم آنوقت امسال هم یکی ازاصلاحاتی که در کمیسیون بودجه در نظر داریم که بعمل بیاوریم این است که اعتبارات اضافی و هزینه های زائد را حذف کنیم و باعتبار دانشکده پزشکی اضافه کنیم و بدانشکده پزشکی مراجعه شده ومذاکره کردیم آنها پانصد هزار تومان برای اینکار اعتبار خواسته اند که الان درکمیسیون بودجه سوابق این کار هست و کمیسیون بودجه درنظر دارد که این کار را بکند ونظر جنابعالی را تأمین کند . این پیشنهاد بنده سابقه دارد وخود آقای دکتر لقمان‌الملك هم اطلاع دارند که در چهارسال پیش بنده این موضوع را عرض کردم واین ازنقطه نظر همان مطلبی که الآن چندین نوبت مذاکره شده است تناسب طبیب با مقدار جمعیت این کشور اصلاً قابل مقایسه نیست ما هزارو ششصد طبیب داریم که ازاین ۱۶۰۰ تا طبیب نهصد تا طبیب دیپلمه اشت و ۵۰۰ یا ۶۰۰ تا شان طبیب مجاز هستند وازاینها ۷۰۰ یا ۷۵۰ نفرشان درتهران ساکن هستند و در تمام کشور درحدود هزار وهشتصد نهصد نفر طبیب هست در حالیکه وضعیت کشور ما معلوم است که فاصله های شهرستانها و قصبات چقدر است و مخصوصاً خراسان با نقاط کرمان و آذربایجان خیلی مشکل است که ازیك شهرستانی بتوانند مریضی را بیك نقطه دیگر ببرند مخصوصاً حالا که وسائل هم نیست آن موقع بنده خاطرم هست که وزارت بهداری درنظر گرفت که دربعضی ازاستانها یك دانشکده‌های چهار کلاسه تشکیل بدهد حتی درخراسان هم که تشکیل شد آن برای چه بود ؟ برای این بود که برای دهات وقراء هم طبیب در دسترس باشد و ازطرف دیگر مدت دانشکده کوتاه بشود که بتوانند اطبائی بیرون بدهند که بدهستانها وقراء فرستاده شوند و مردم استفاده کنند . این پیشنهادی را که بنده دادم برای تذکر بودوالا یقین دارم که خود آقای دکتر لقمان‌الملك هم که یك وزیر مطلعی هستند وخودشان درسازمان بهداری این قسمت رادرنظر خواهند گرفت والبته تصدیق میفرمائید که با این سالی صد یا هفتاد نفر طبیبی که از این دانشکده پزشکی بیرون میاید وباهزارو دویست تا طبیب ما نمیتوانیم هیچوقت احتیاجات این کشور را از نقطه نظر طبیب تأمین کنیم زیرا سالی صدتا که بیرون میآید سالی ۴۰ یا ۵۰ تا ازاین عده‌ای که هستند تلف میشوند پس بنابراین ما باید سعی کنیم که این دانشکده را طوری تهیه کنیم که لااقل ۴ سال یا ۵ سال دیگر مملکت از وجود طبیب باندازه کافی بی نیاز بشود که اقلاً بتواند بشهرستانها هم بفرستد . حالا که داریم سازمان بهداری را تصویب میکنیم ومجلس هم حاضر است برای تصویب اعتبار آن وبنده عرض میکنم آقایان اعضاء کمیسیون بودجه حاضر هستند همه طور نسبت به بهداری کمك بکنند .

مخبر – ایجاد مدرسه طب معمولاً کار وزارت فرهنگ است وزارت بهداری نمیتواند دانشکده یا مدرسه طب تأسیس بکند واداره بکند . اما اگر نظراین باشد که برای مساعدت

باطباء یك دسته اشخاص فنی تربیت بشوند که بتوانندباطباء کمك بکنند و احتیاجات مردم بهتر براورده شود که این عمل اجرا شده است و در خراسان یك مدرسه ای است که وقتی اشخاص از آن مدرسه تصدیق گرفتند بنام بهدارخارج میشوند که‌در حقیقت اوفیسیه‌دوسانته هستندواینهااشخاصی هستند که راجع بامور بهداشت اطلاع دارند ومیتوانند پزشکان را کمك بکنند البته این اشخاص از پرستاران بهترند و از طرف وزارت بهداری کمك هزینه باین اشخاص داده میشود و در نظر هم هست که‌در خراسان ودر شیراز و اصفهان و در نقاط دیگر هم این نوع مدارس تشکیل بشود. بنابراین نظر آقا کاملاً تأمین شده است عرض میکنم اگر نظرتان برای طبیب است که تأمین میشود.

ملك عدلی ـ نظرمن همان بود که آقای دکتر کشاورز توضیح دادند که درنقاط دیگر واستانهای دیگر این مدرسه تأسیس‌بشود نظرمن‌همین بودکه ایشان توضیح دادند وبودجه آن هم جزء وزارت بهداری است وباید درجاهائیکه واقعاً طبیب ندارد این مدرسه ها را تأسیس کنند و همچنین برای نقاط دیگر هم باشد که بتوانند غیراز خراسان جاهای‌دیگر حتی در کرمان که آقای رفیعی اظهار کردند تأمین بشود و توجه بکنند وچون در نظر دارند که اصلاح کنند بنده پیشنهادم را مسترد میکنم.

نایب رئیس ـ پیشنهاد آقای روحی بعرض‌مجلس میرسد:

پیشنهاد میکنم وزارت بهداری مکلف است که یکنفر پزشک تحصیل کرده با دواهای لازم برای جیرفت ورود بار ساردوئیه واسفندقه وجبال بارز هرچه زودتر اعزام دارد.

نایب رئیس ـ آقای روحی.

روحی ـ عرض کنم یك نفرنماینده باید نظرش وسیعتر ازاین باشد که برای یکقسمت مخصوصی طبیب تقاضا بکند برای اینکه فرق نمیکند برای‌مراغه یاسایرجاها باشداینها همه‌پیش‌ما یکی‌است وتمام آنهاجزء ایران‌هستندولی‌مقصود این است که بهداری طوری اداره شود که همه‌جاخوب‌اداره شود و این را برای اینکه بآقای وزیر بهداری کمال ارادت وحسن عقیده را دارم عرض میکنم که دراین جا ها آقا یك نفر پزشگ نیست ویك گرم دوا ندارد و دولت یکسال ونیم است که یك گرم شکر و یك متر پارچه بآنها نداده است باور میکنید مردگان را با روزنامه دفن میکنند وبآنها مار هیچ‌توجهی‌نداریم. بنده توضیح بیشتری نمیدهم همان‌نظری که آقای دکتر کشاورز بیان فرمودند کافی‌است که این سازمان پزشکی را توسعه بدهند ودرکرمان‌هم ایجاد کنند که آنها بتوانند تراخم ومالاریا وامراض مقاربتی را معالجه کنند یااگربتوانیم این‌امراض‌مالاریا وتراخم وسایرامراض راممالجه کنیم وازبین ببریم دیگرماببهداری‌احتیاجی‌نداریم این را بخوانید در کتب که ایران دراثر خوبی آب وهوادر عصر ساسانیان و هخامنشی اصلاً احتیاج بپزشك و طبیب نداشته است پزشکی چندان ترویجی نداشته است در تمام علوم اینهاسر آمدجهان بوده اند ولی‌موضوع بهداری‌چندان توجهی نداشته اند چرا؟ برای اینکه طوری رفتار میکردند که امراضی‌نداشتند واحتیاجی نداشتند امروزهم بایدتوجه بیشتری بشود و بنده قول میدهم که اگر اینطور باشد یك پزشگ بفرستند کافی باشد.

— **نایب رئیس** ـ عده کافی نیست برای رأی اگر موافقت بفرمایند تکلیف این دوپیشنهاد وچندین پیشنهاد دیگری که بعرض‌مجلس‌باید برسدبجلسه آینده موکول‌بشود(صحیح‌است)

[۵ - موقع ودستور جلسه آتیه - ختم جلسه]

نایب رئیس ـ اگراجازه میفرمائید جلسه را ختم کنیم (صحیح‌است) **جلسه‌آتیه روز یکشنبه ۲۹ امرداد** دستور در درجه اول استیضاح و بعد طرح لایحه سازمان وزارت بهداری ... (بعضی ازنمایندگان ـ استیضاح برای یکشنبه هفته آتیه است) ببخشید همان طرح سازمان بهداری و بعد هم راجع بمازاد غله.

[مجلس نیم‌ساعت بعد از ظهر ختم شد]

نایب رئیس مجلس شورای ملی - امیرتیمور